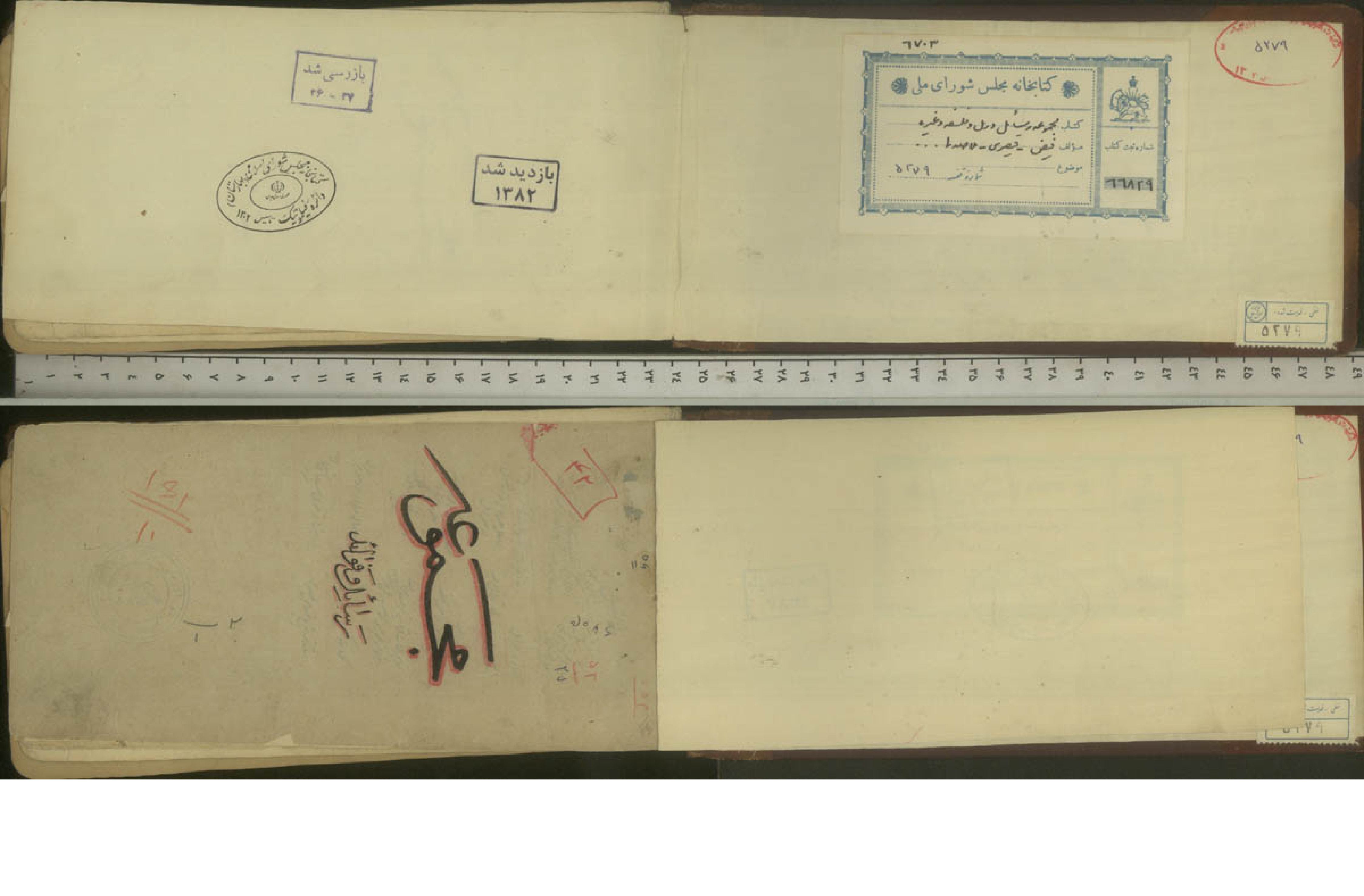
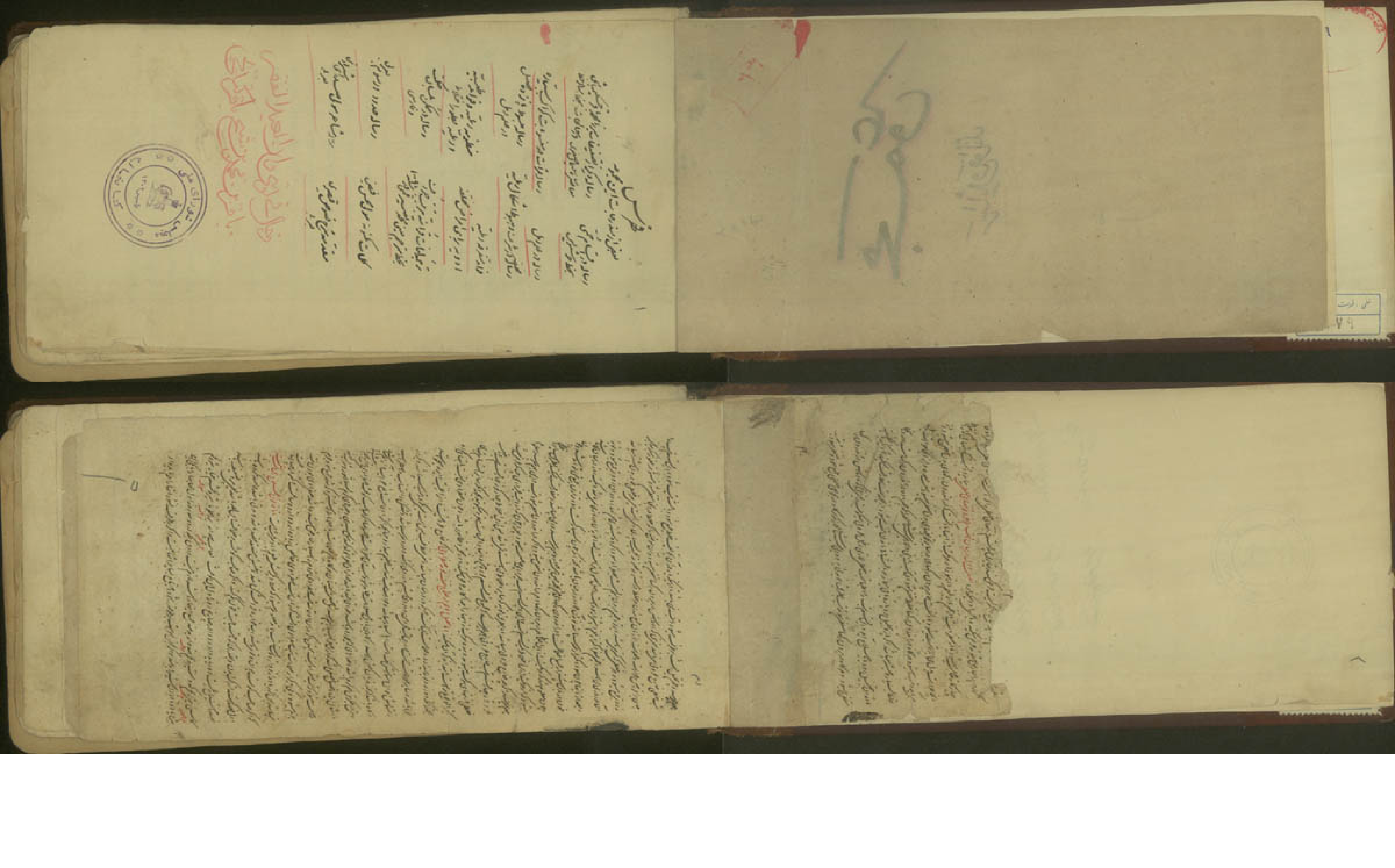
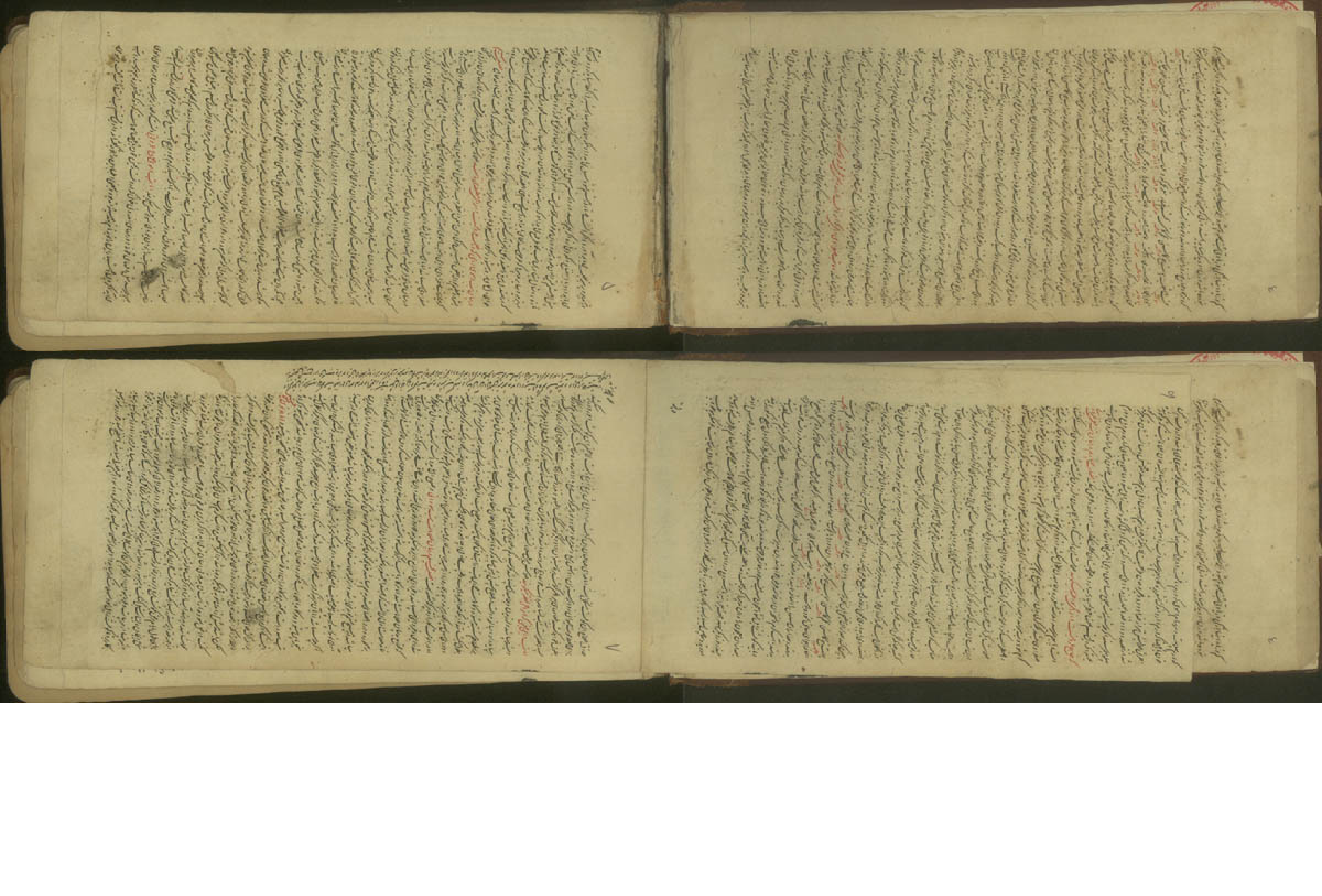


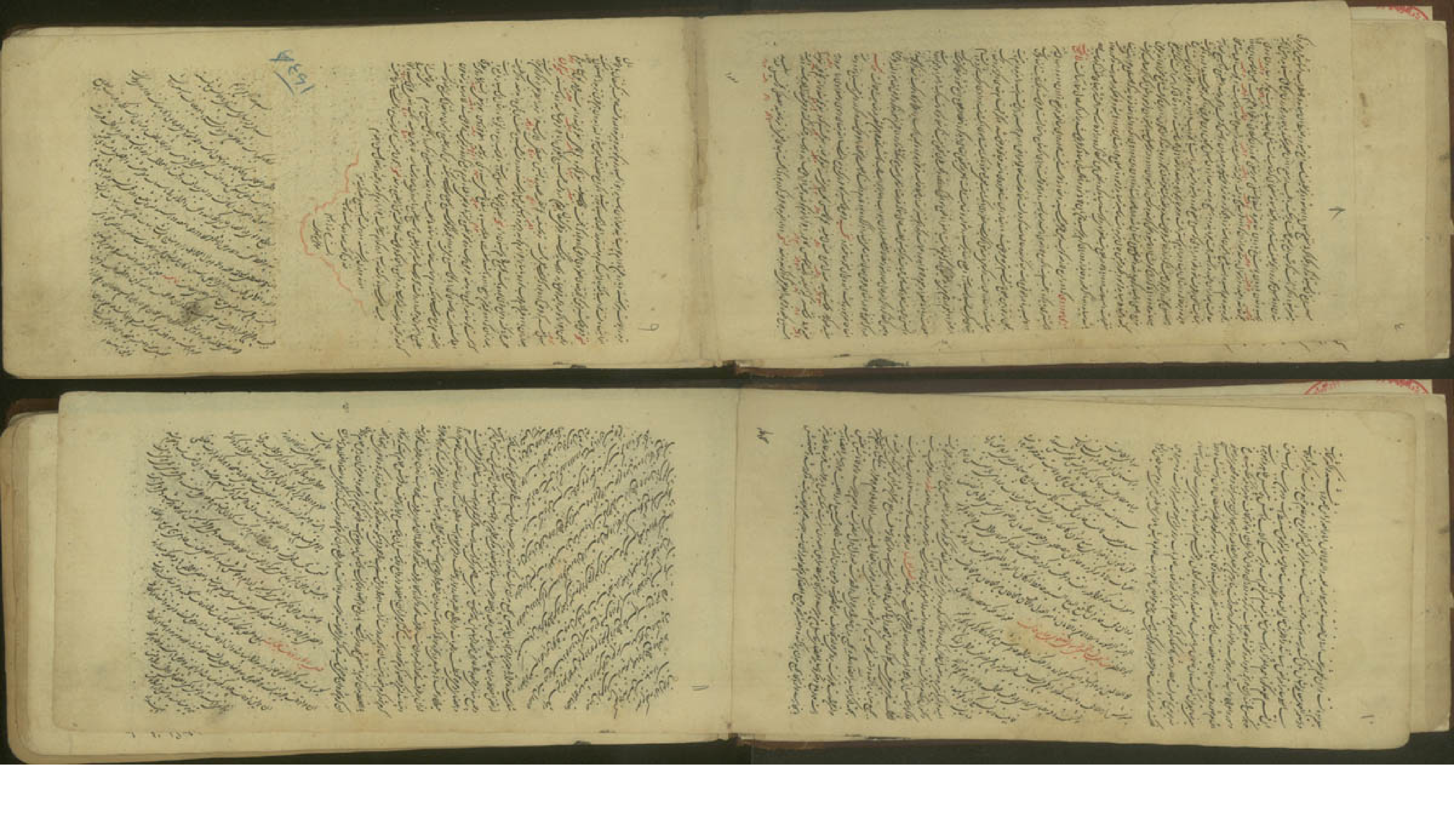
بازرسی شد
۳۷ - ۳۶
بازدید شد
۱۳۸۲
٦٧٠٣
کتابخانه مجلس شورای ملی
کتاب
مؤلف
موضوع
شماره ثبت
٥٢٧٩
شماره ثبت کتاب
٦٦٨٢٩
٥٢٧٩



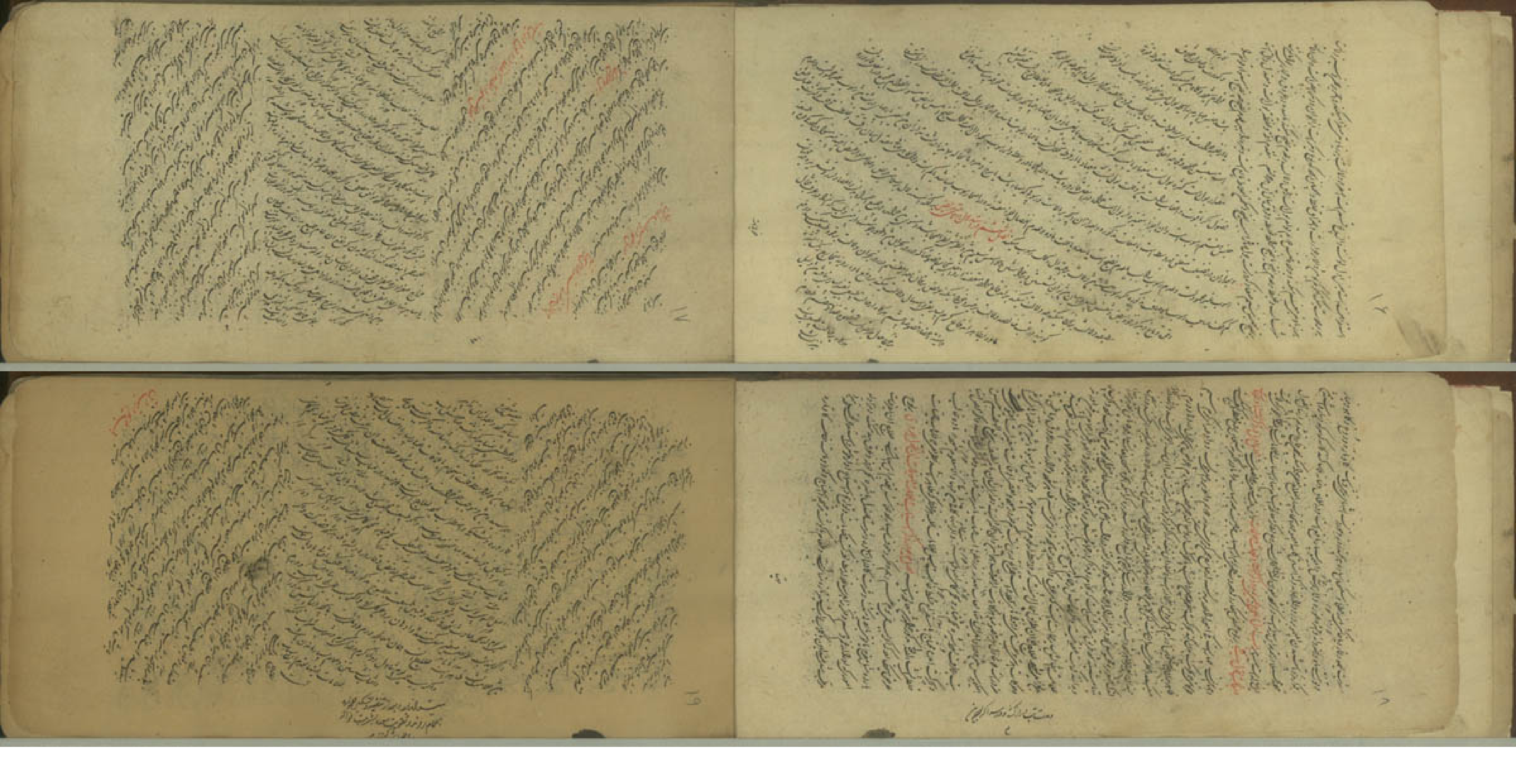
بازرسی شد
بازدید شد
۱۳۸۲
کتابخانه مجلس شورای ملی
شماره ثبت کتاب
۶۶۸۲۹
۵۲۷۹

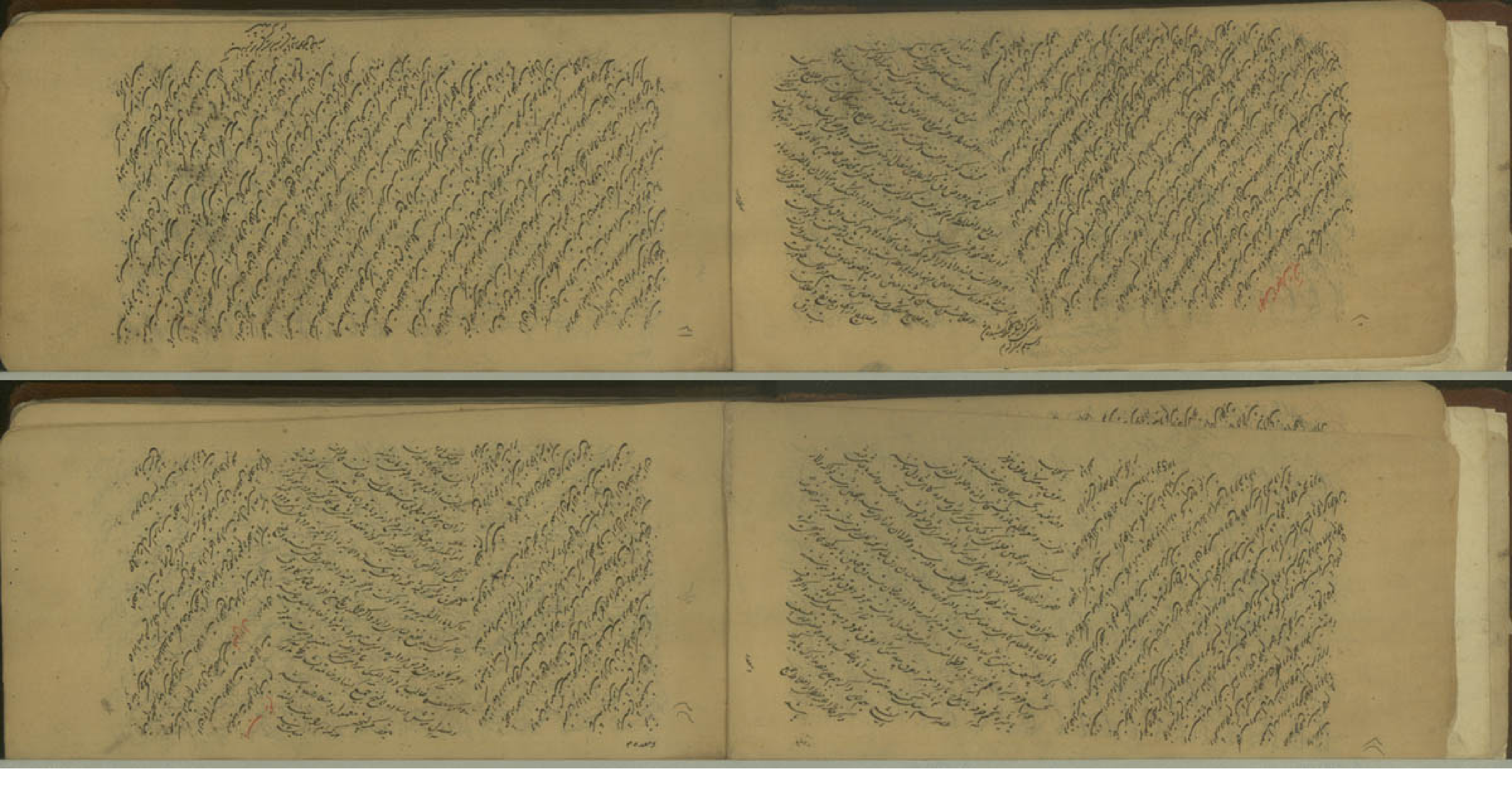


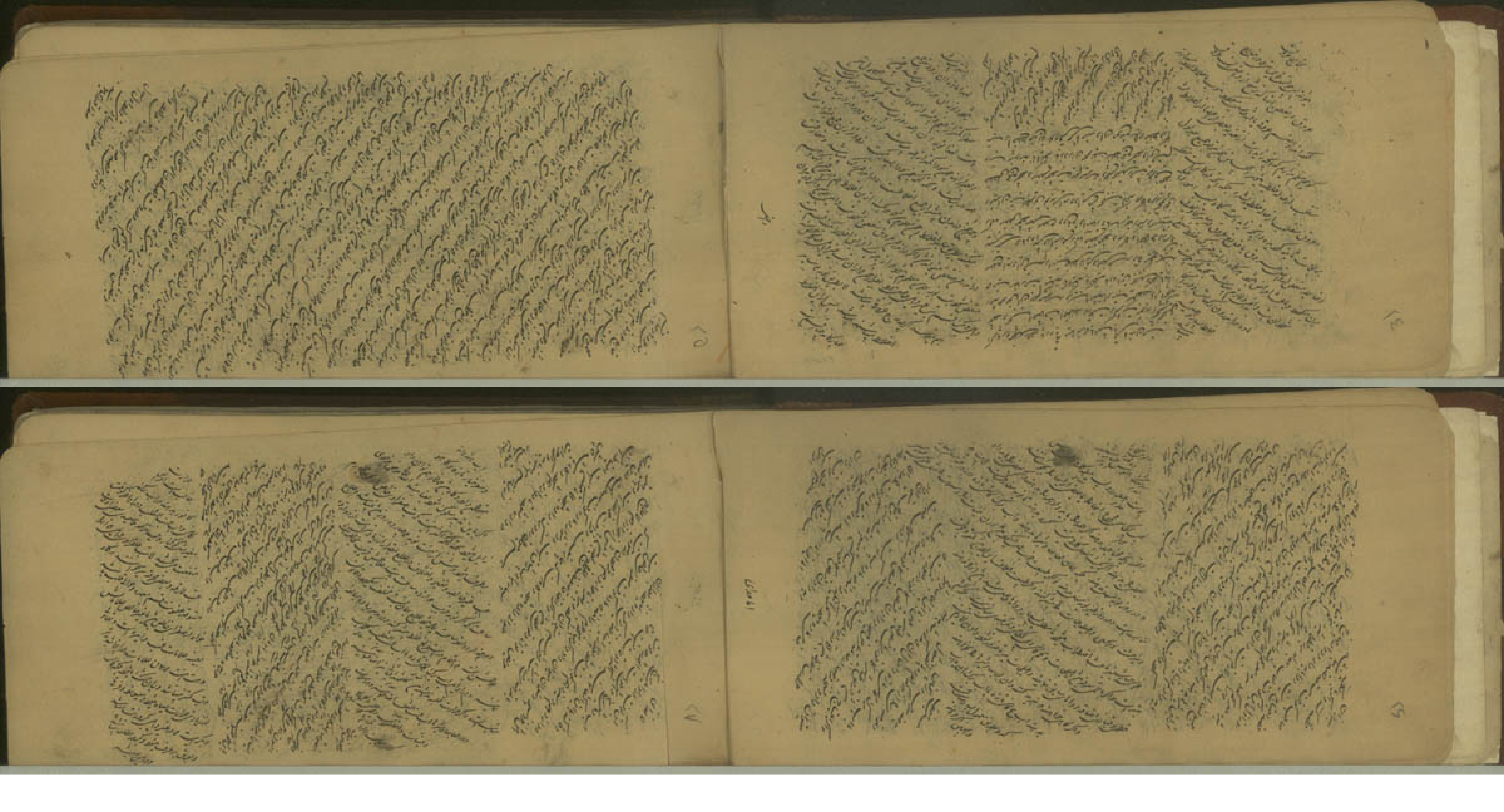


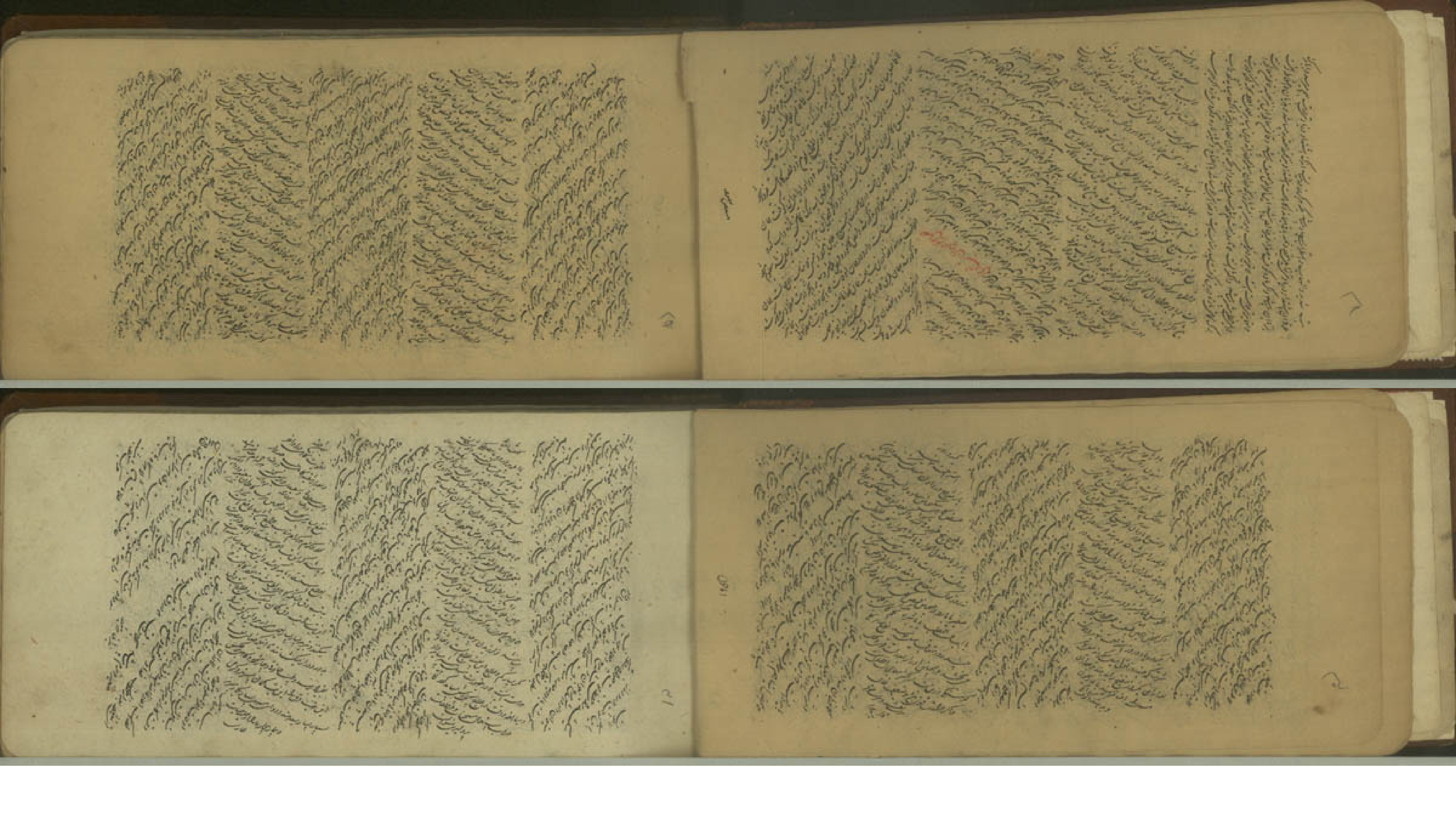


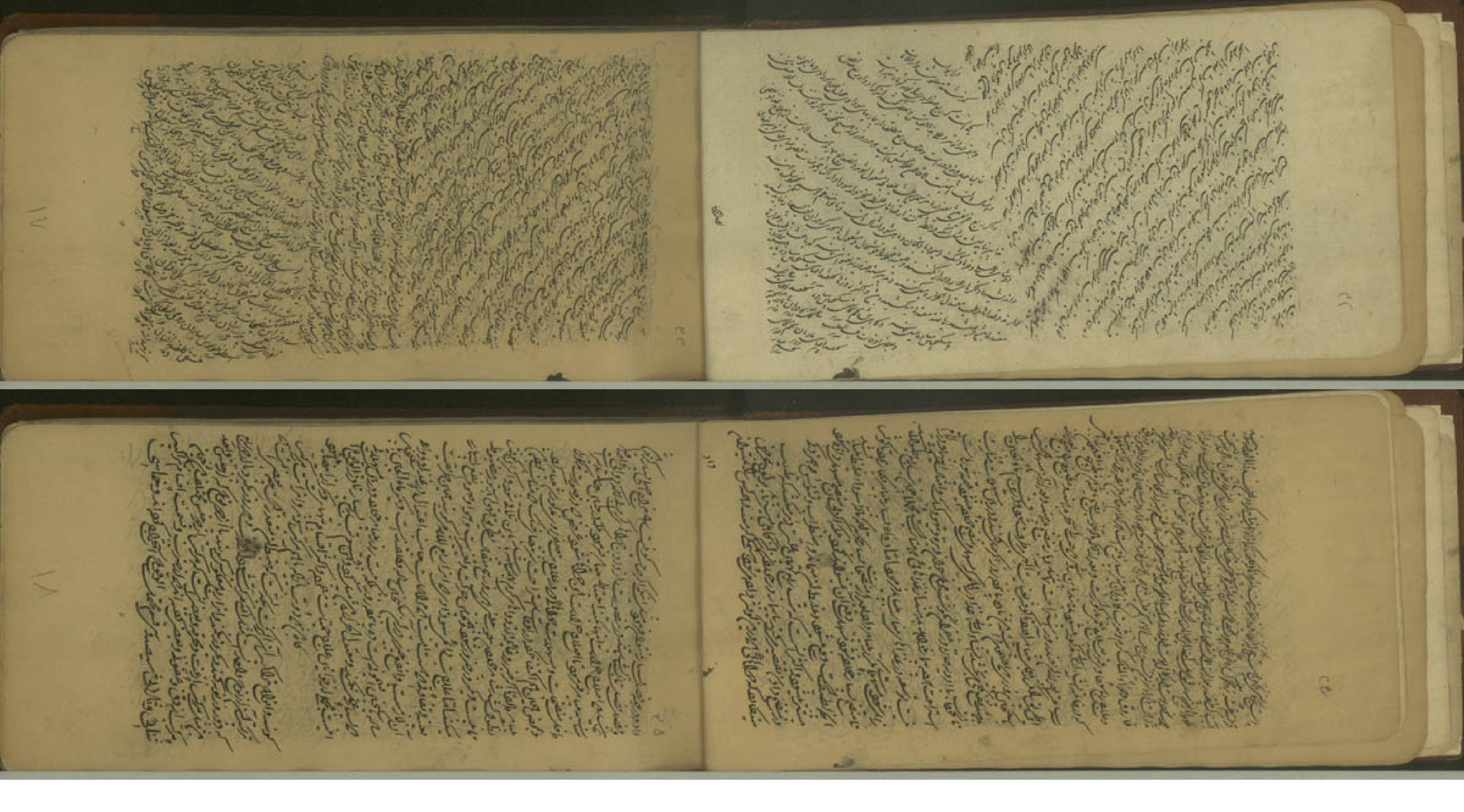


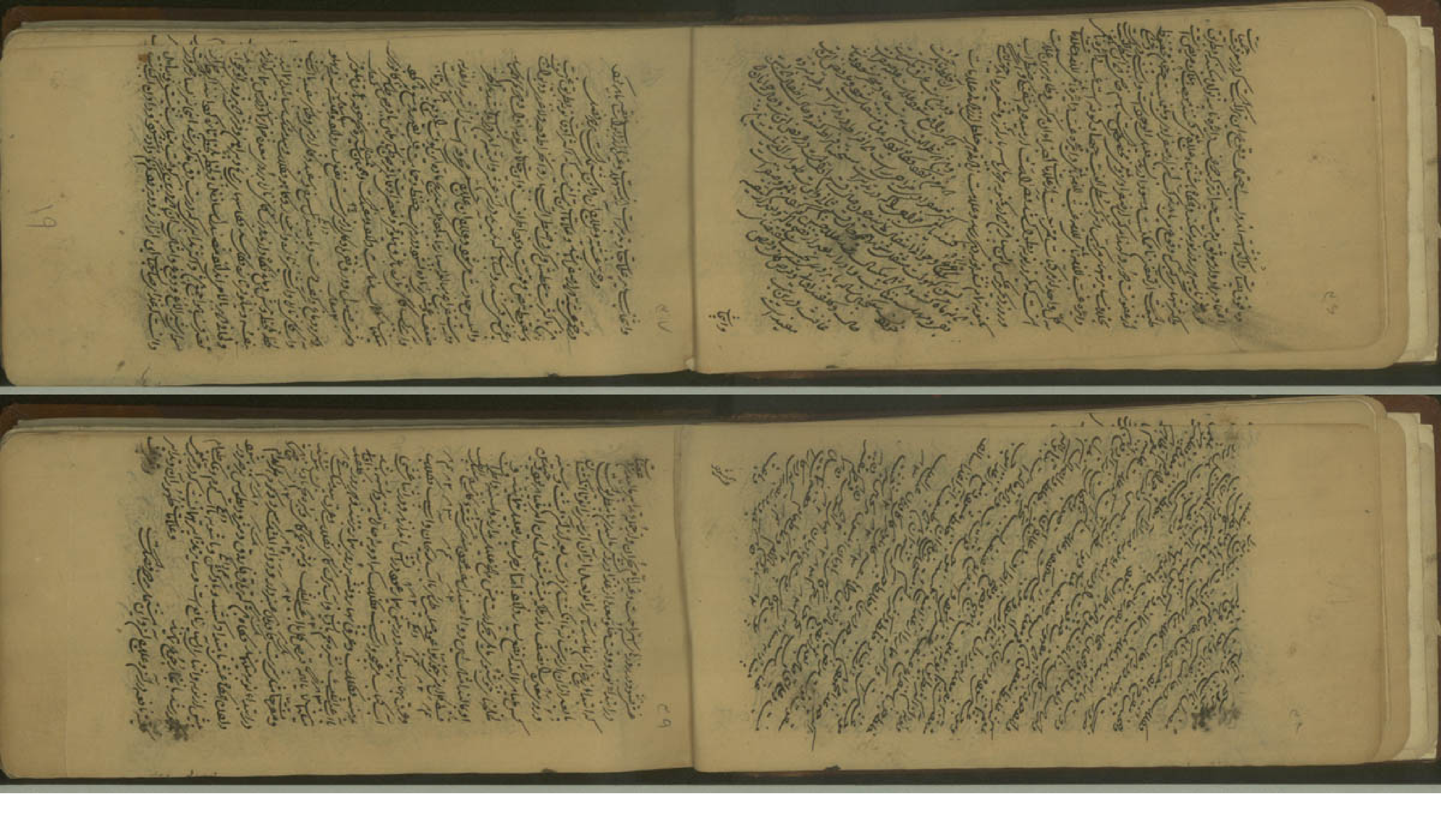


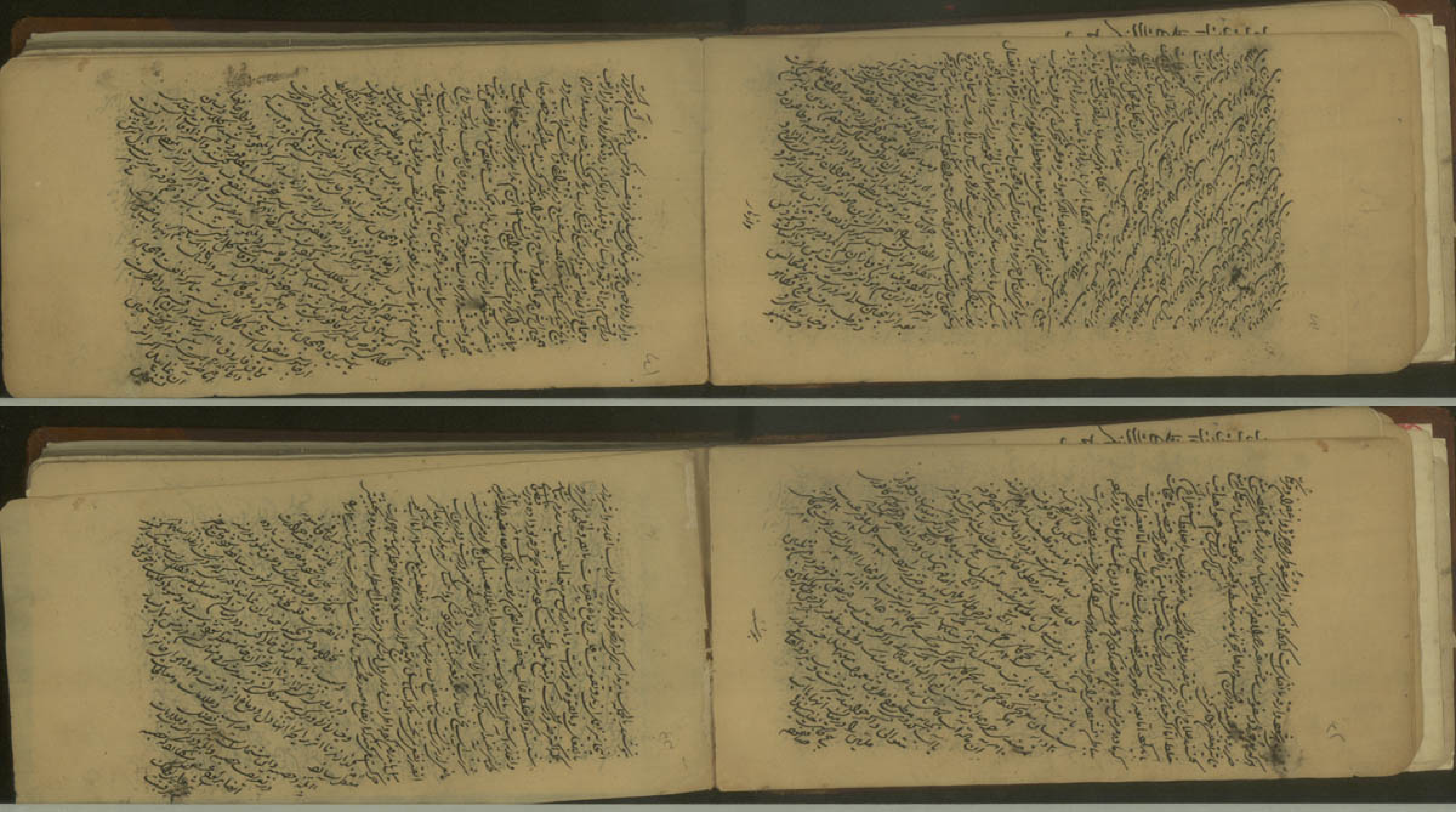


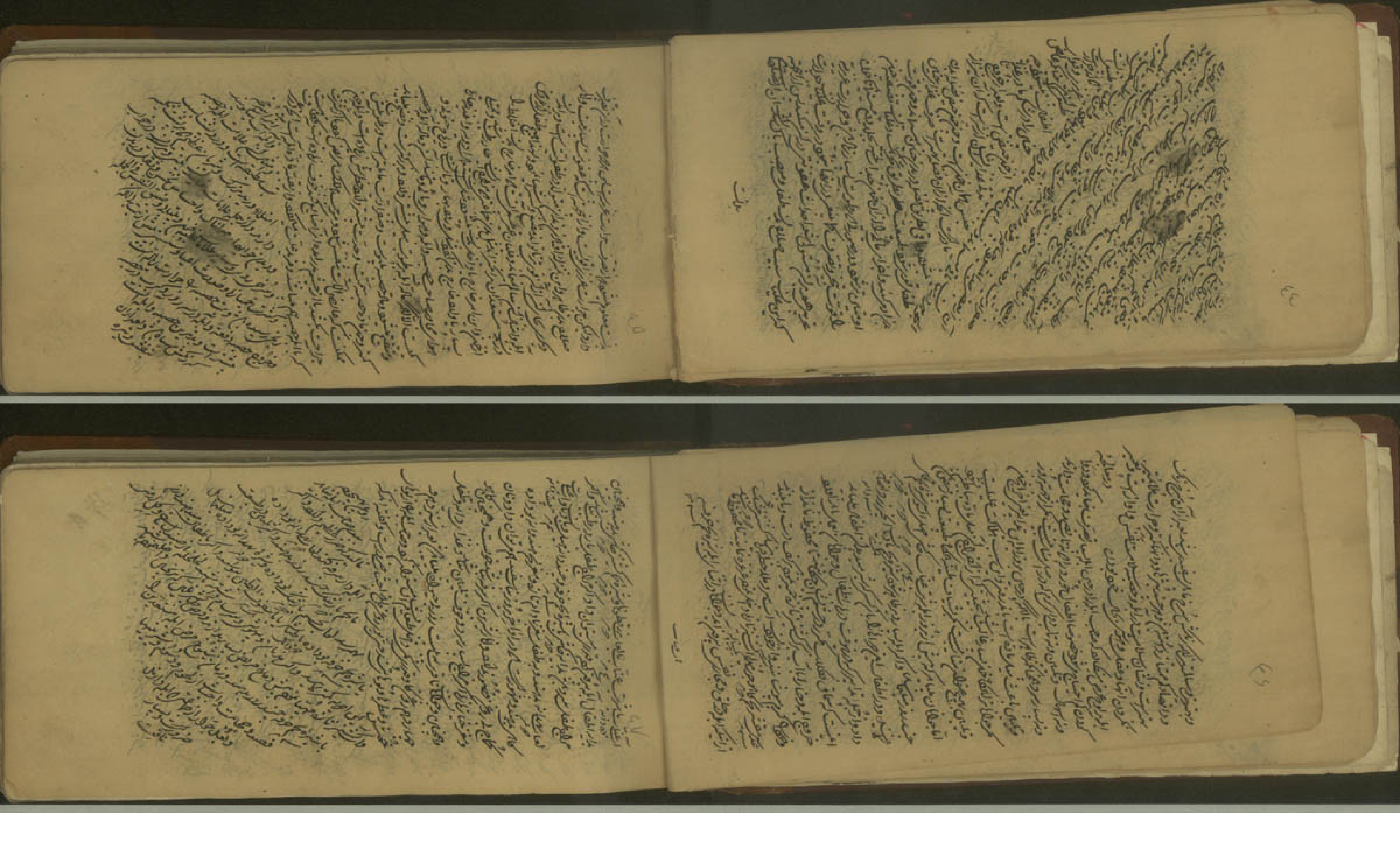


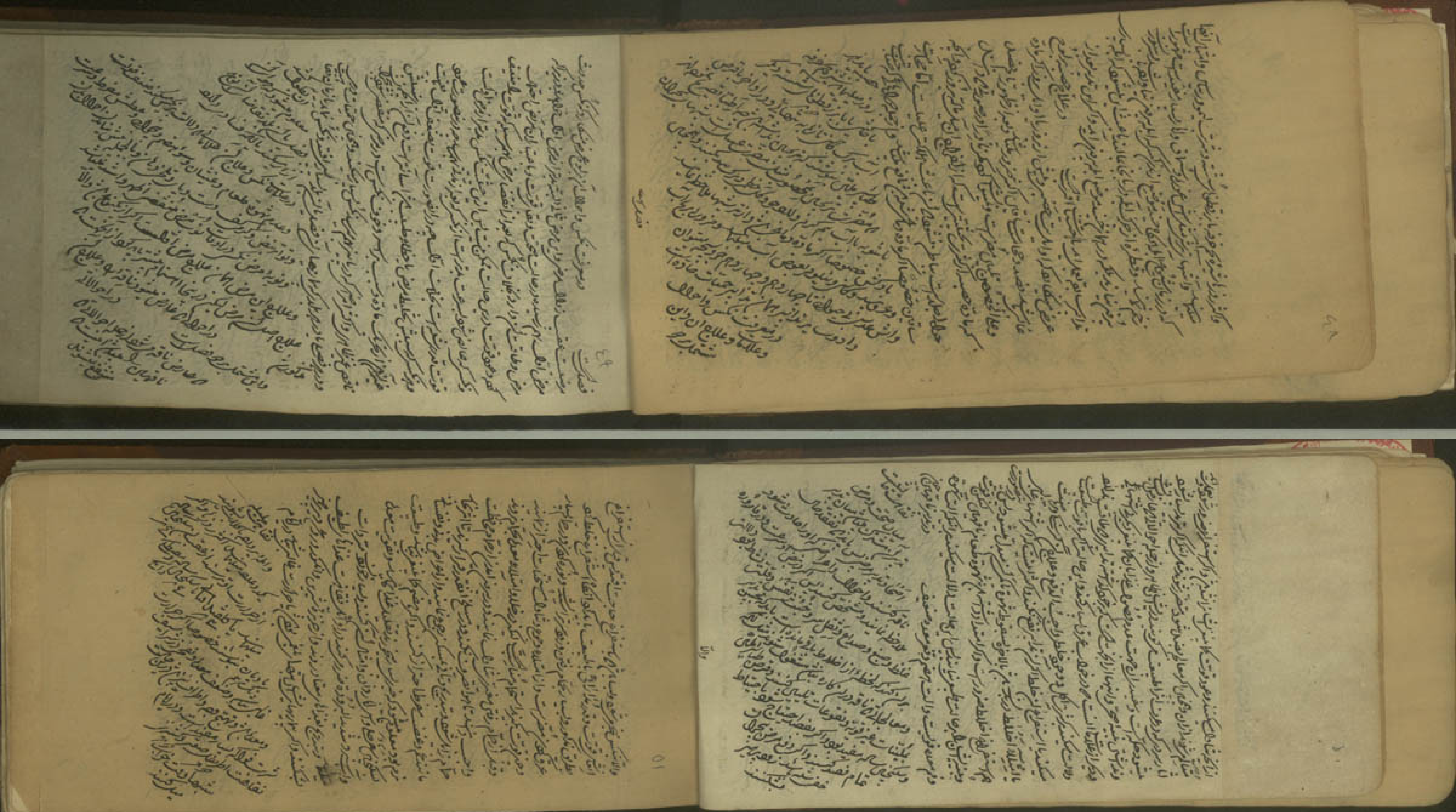


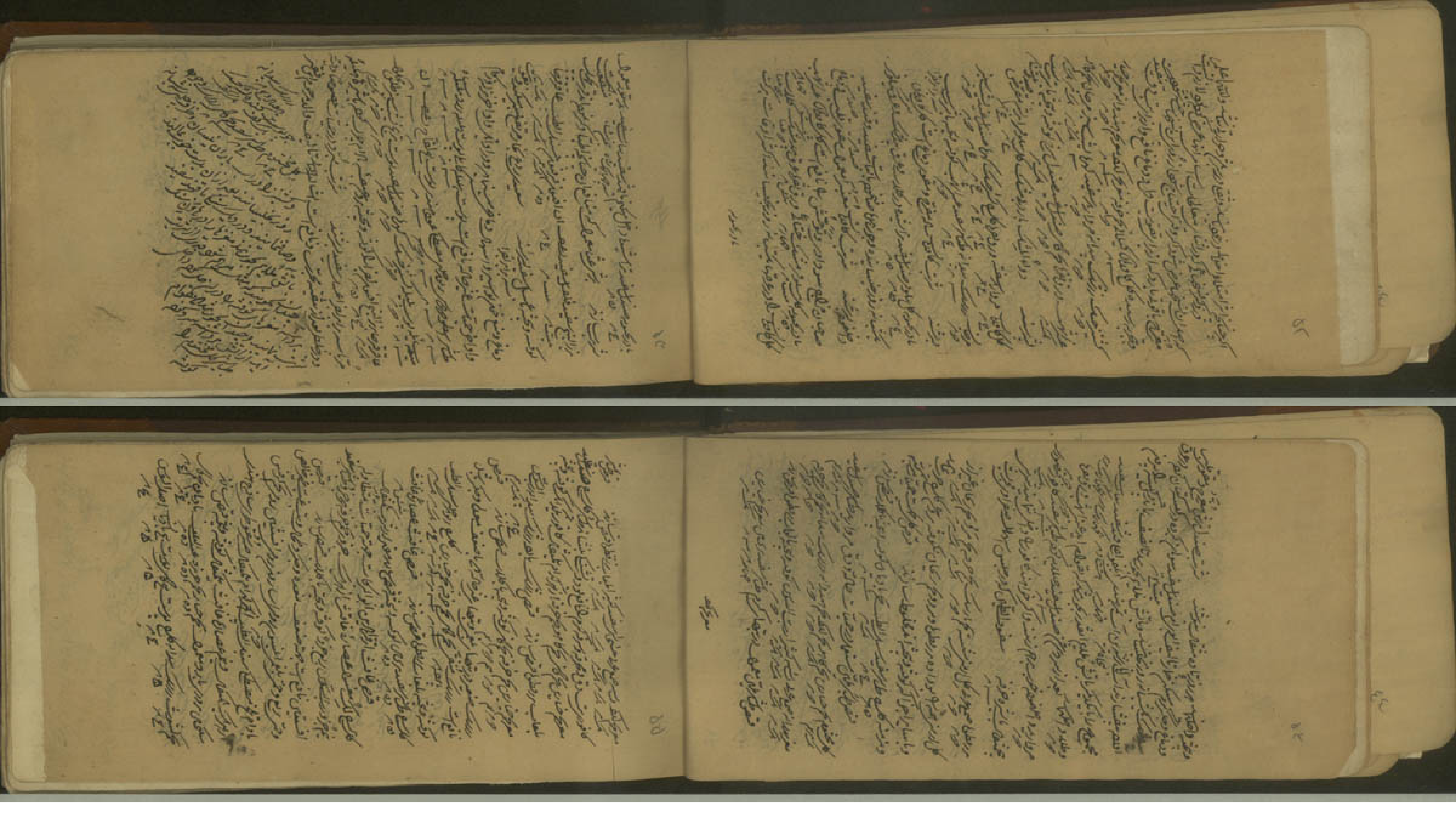


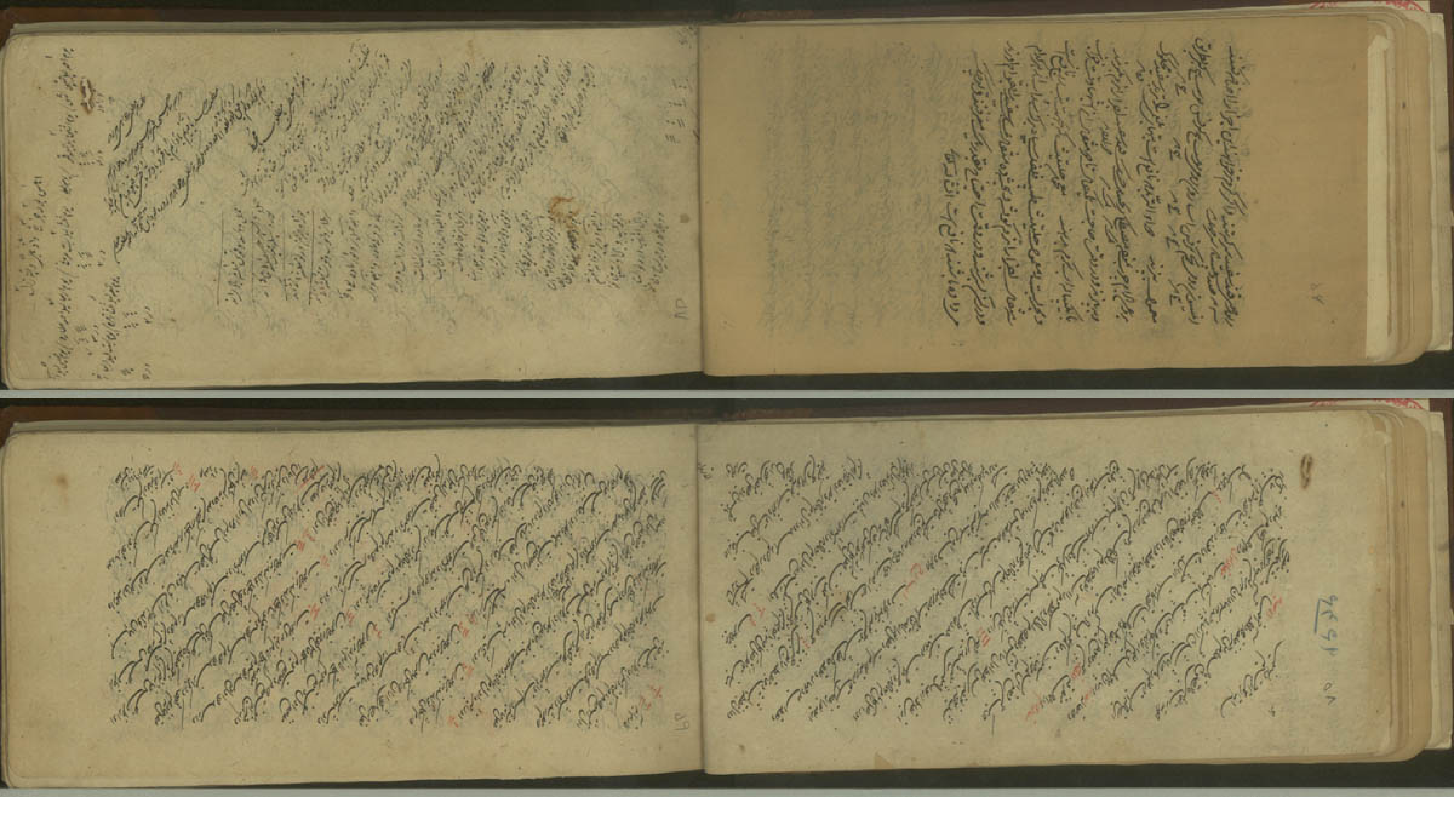


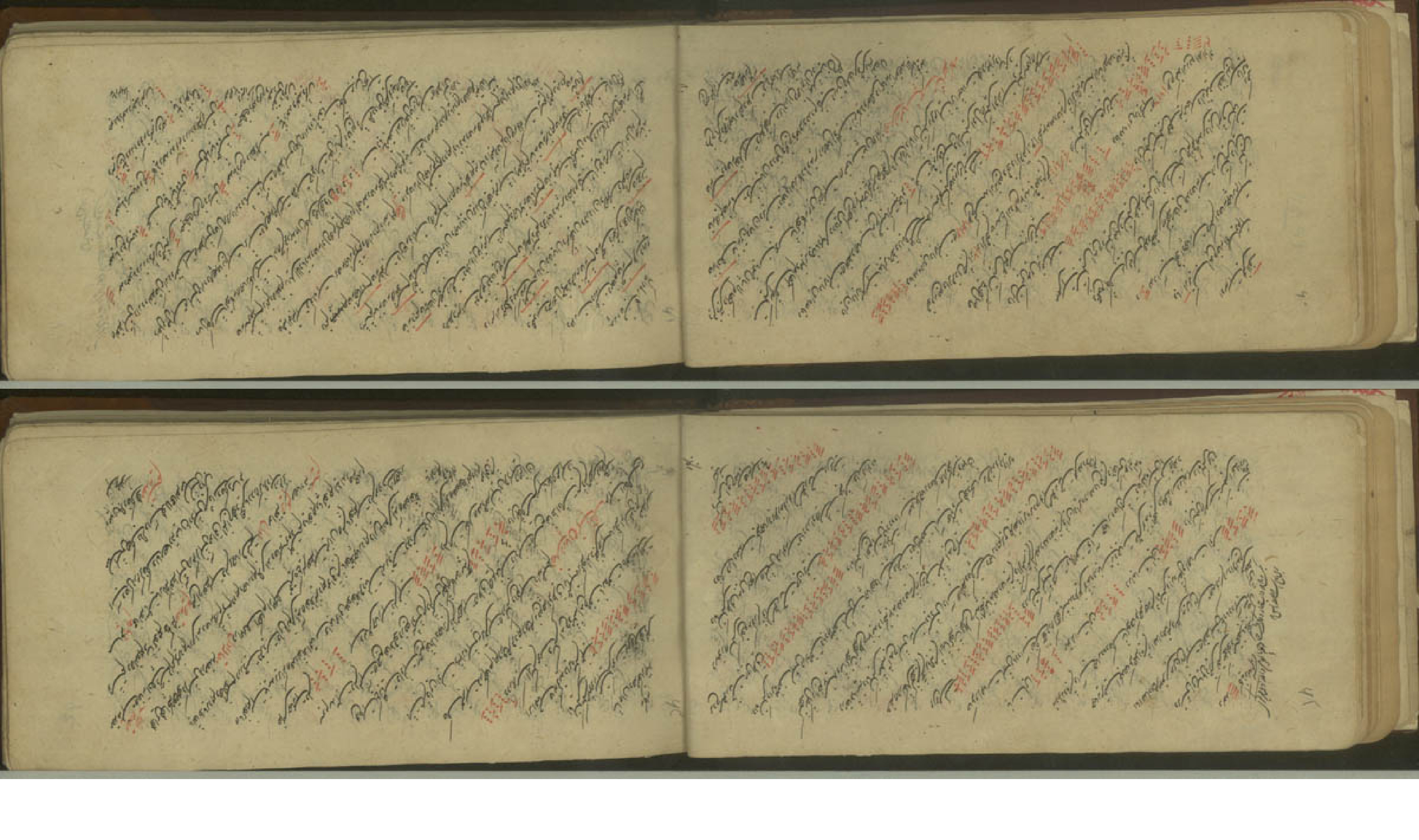


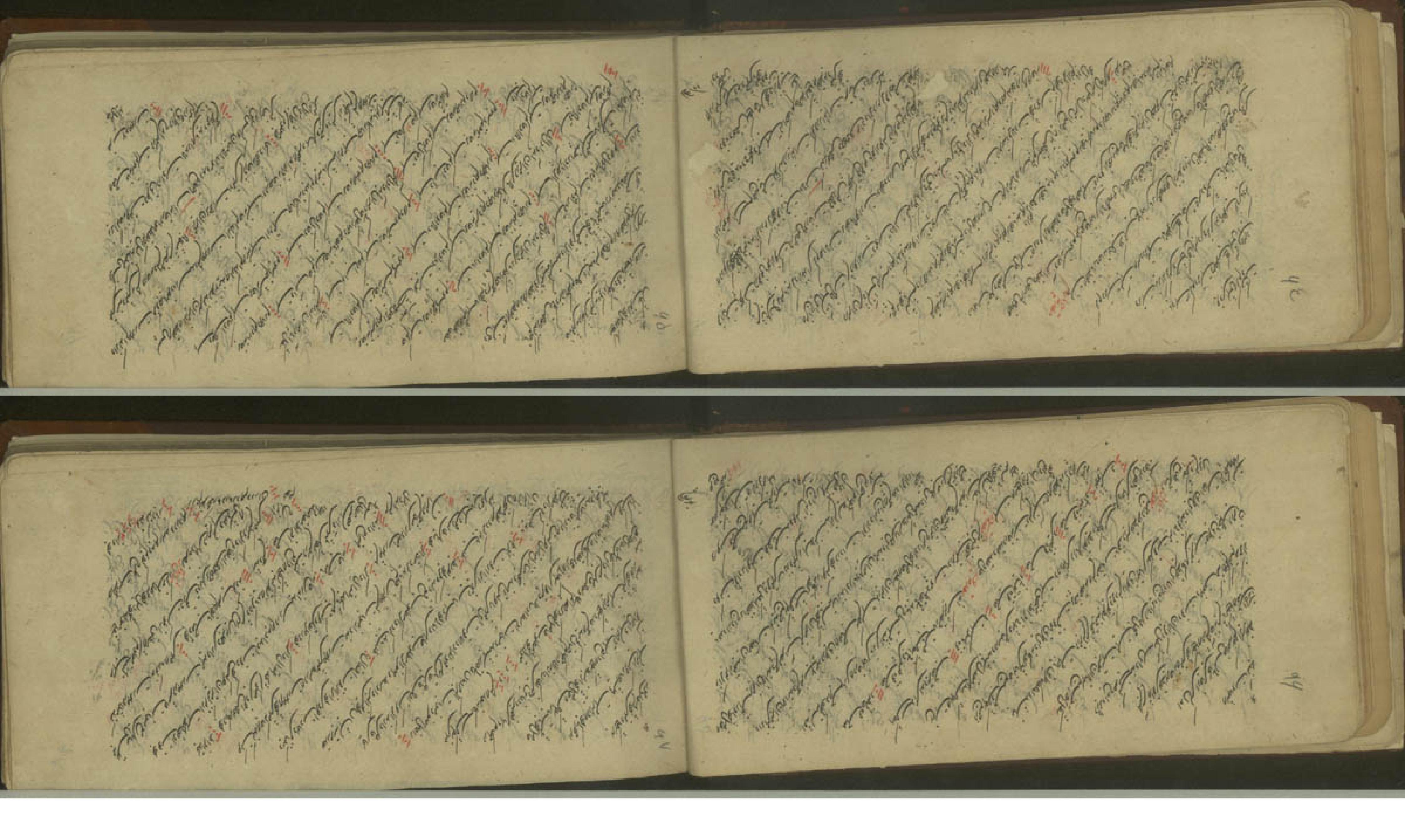


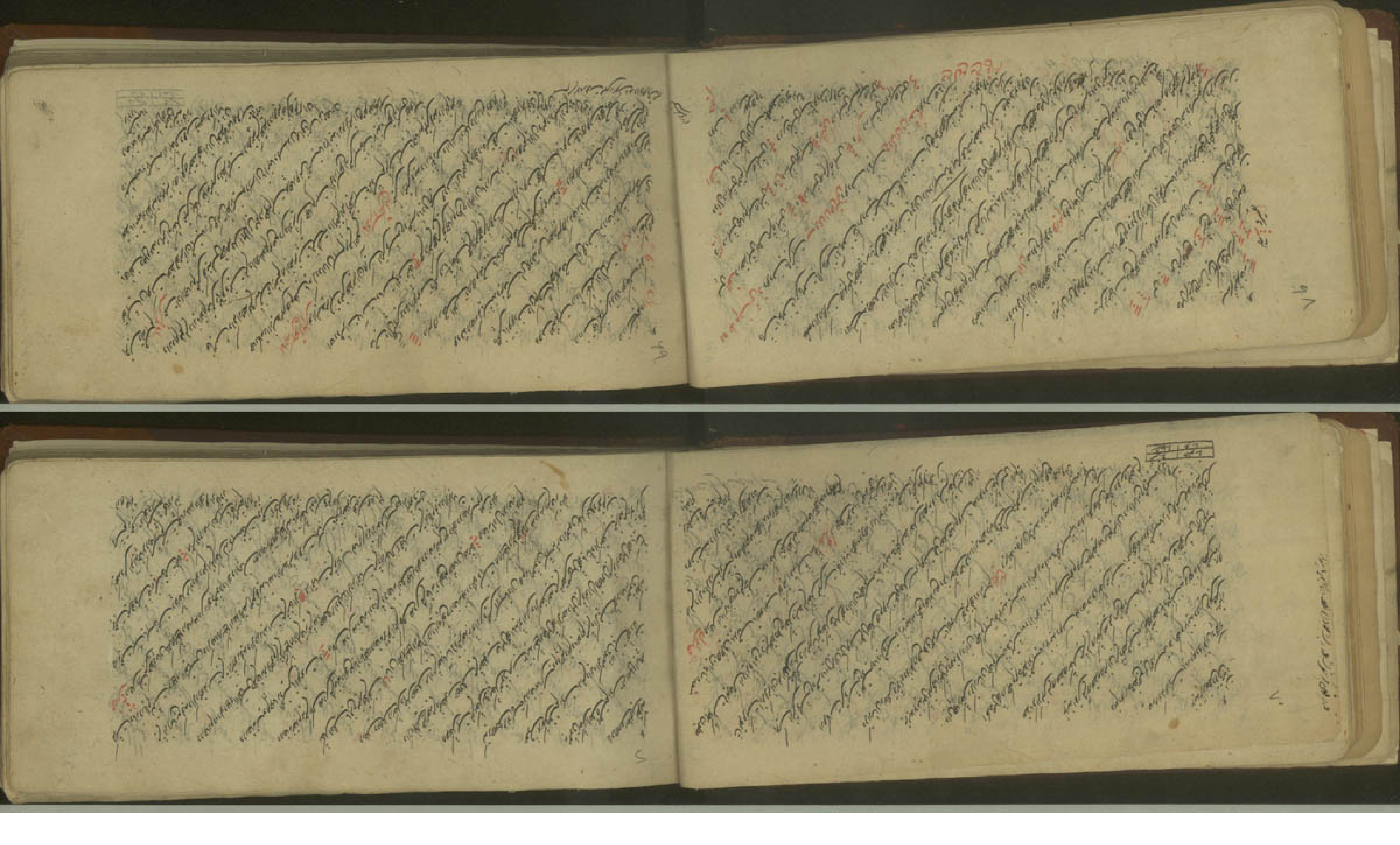


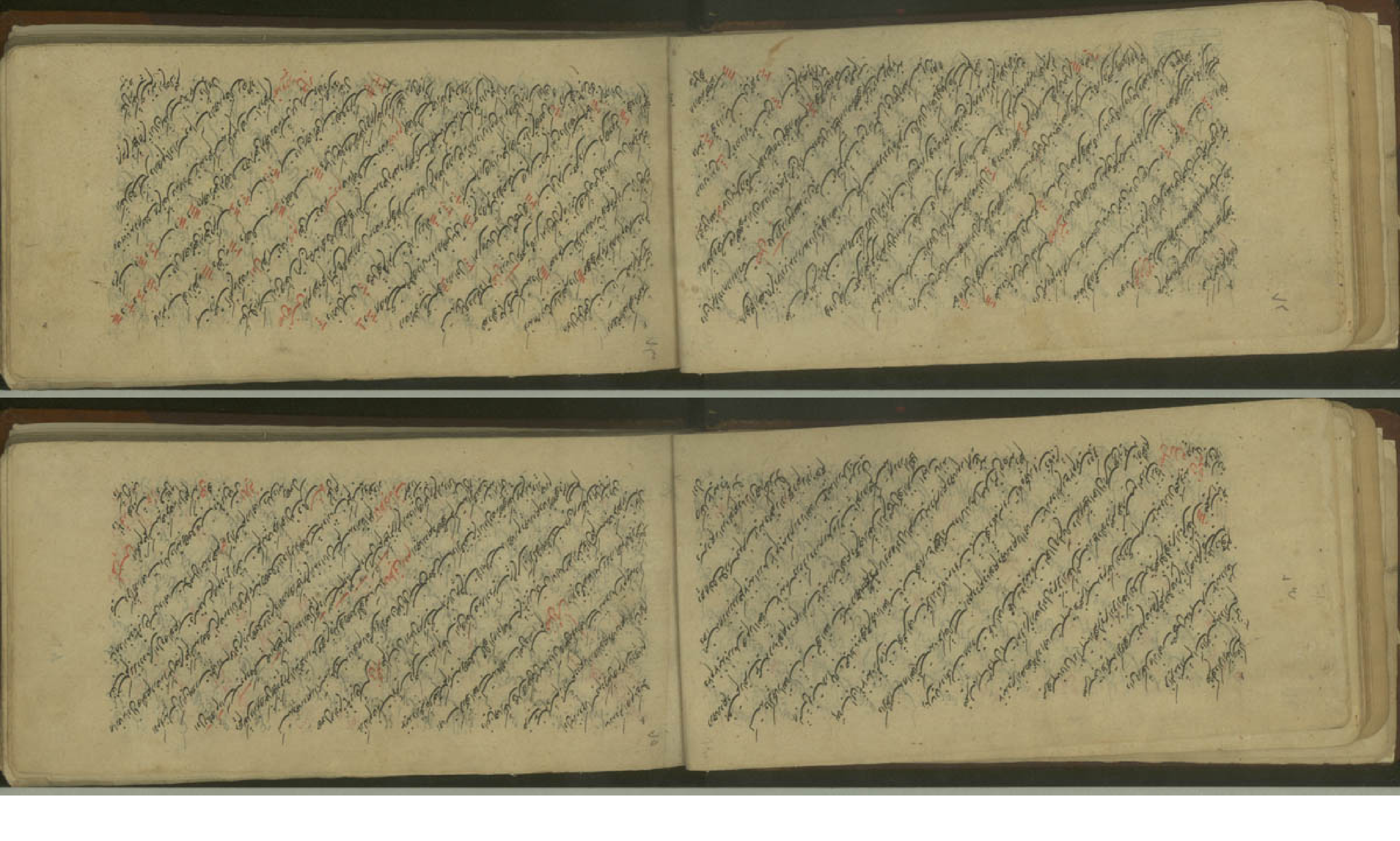


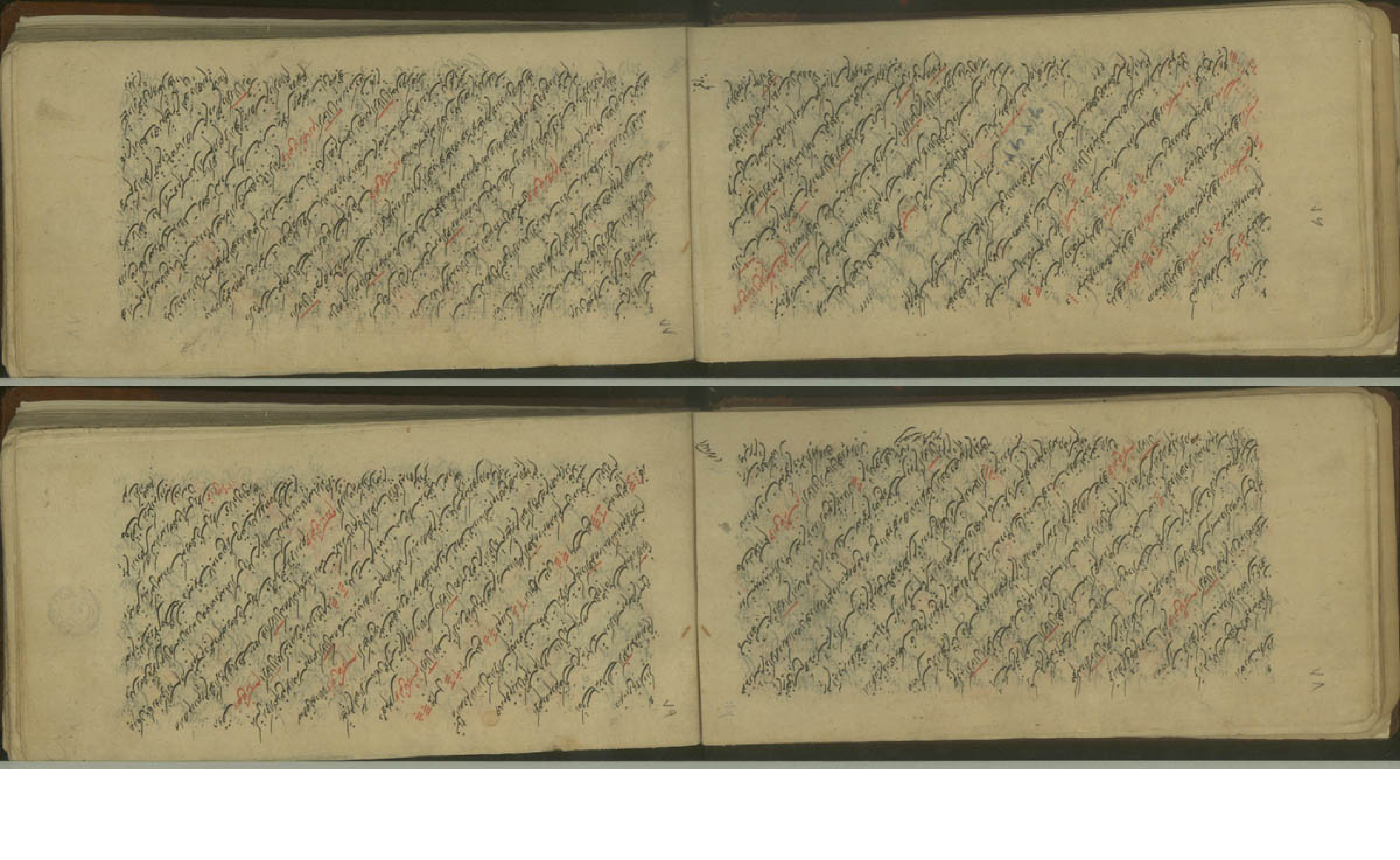


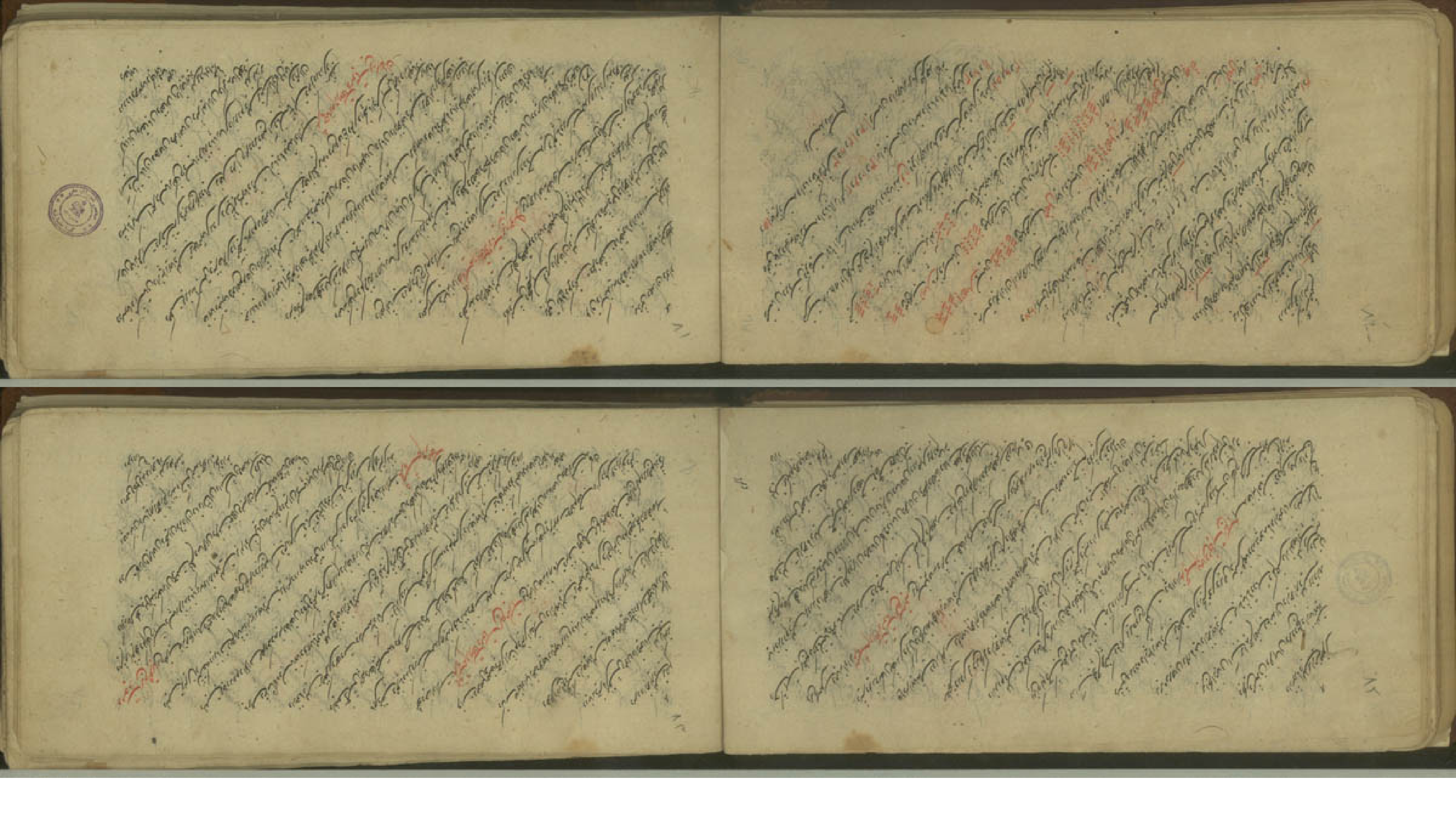


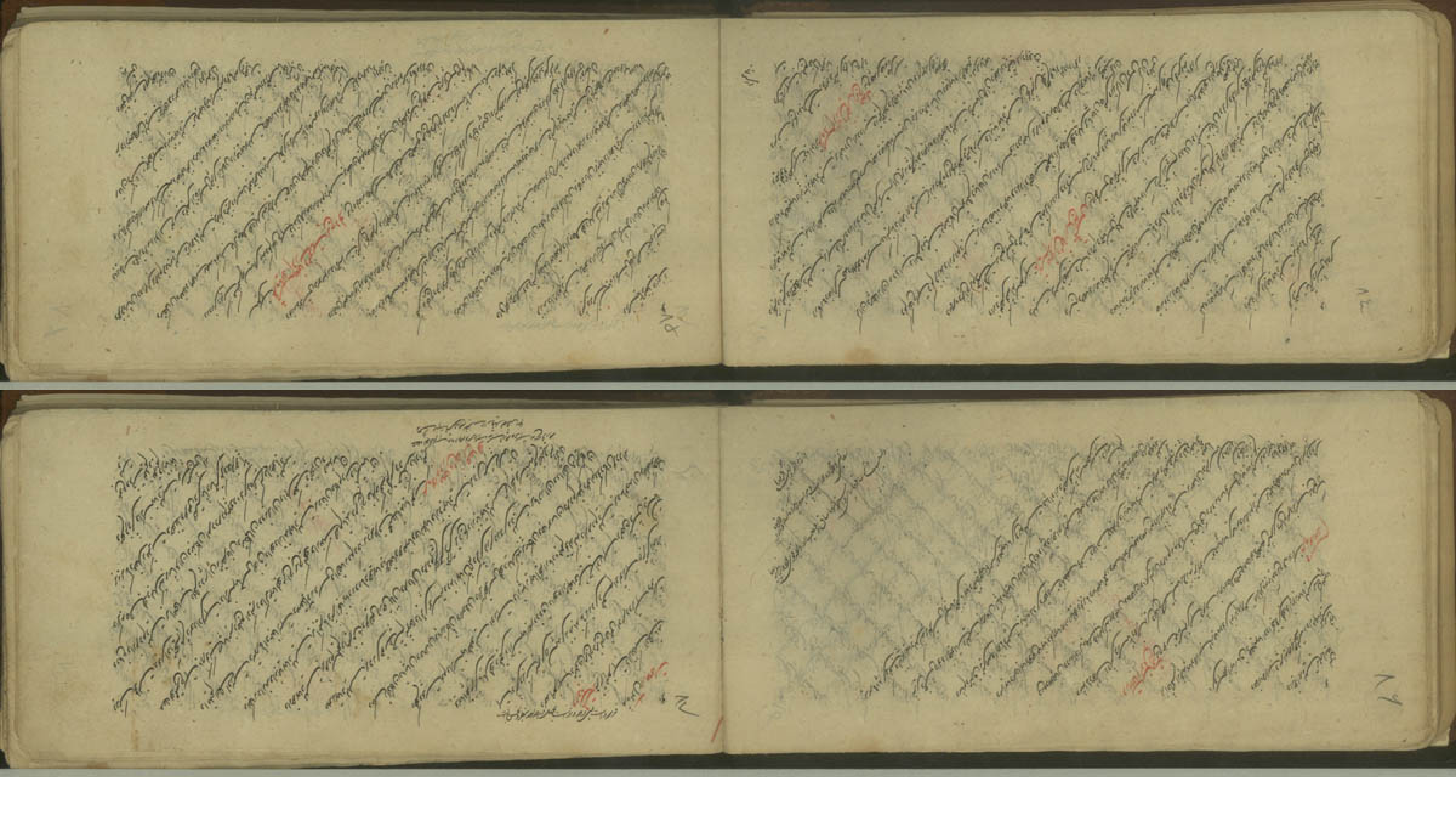


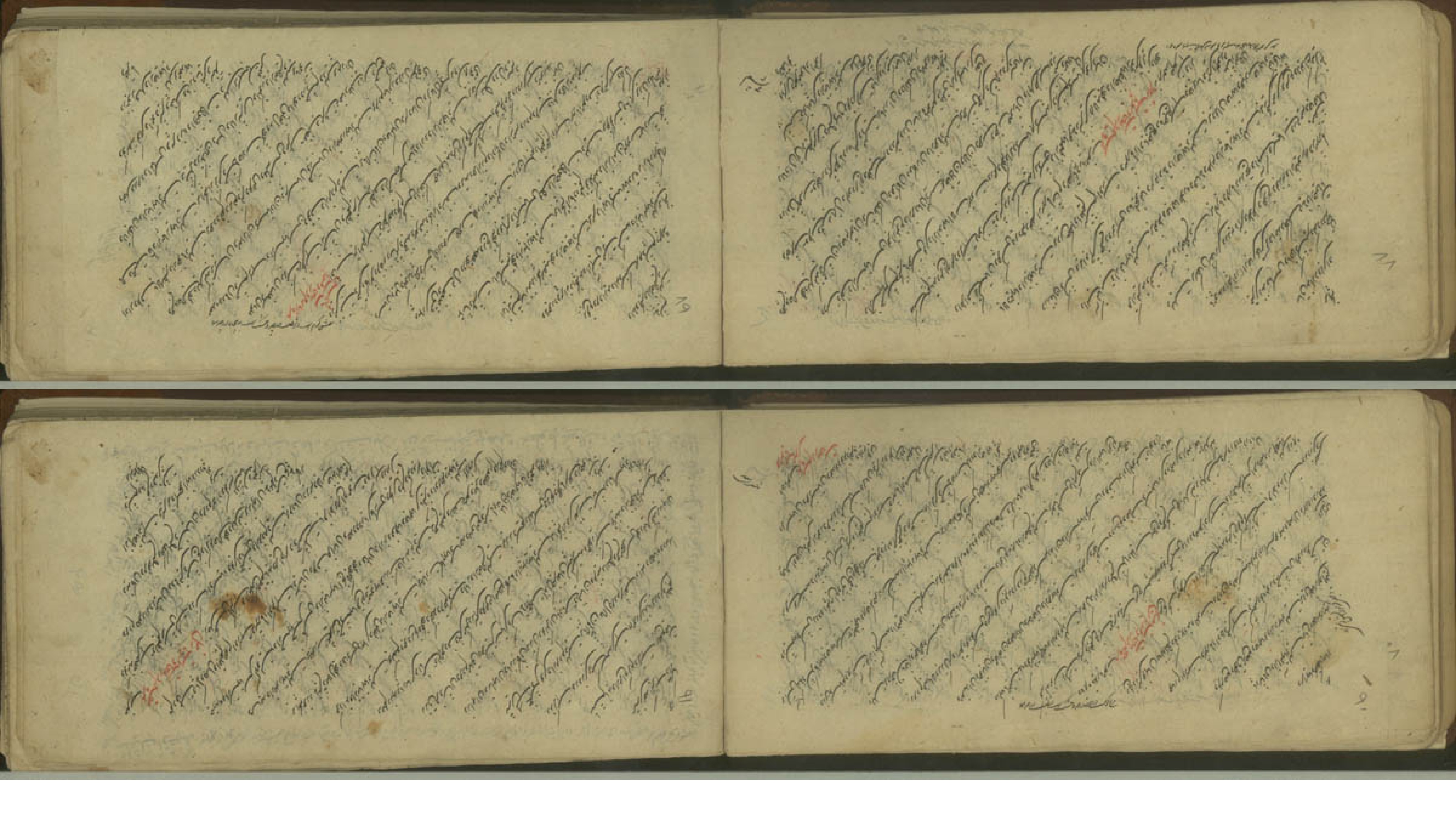


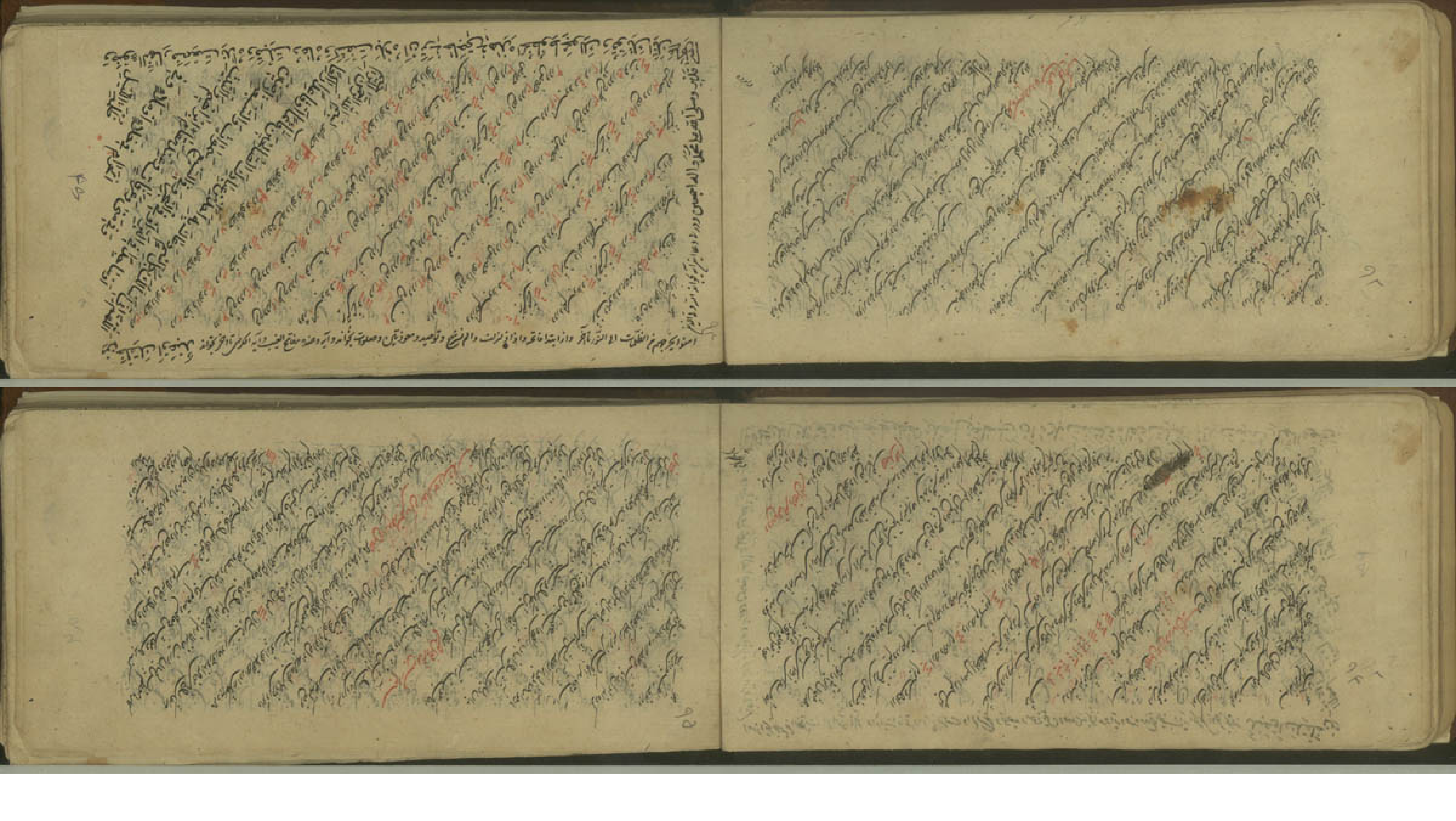


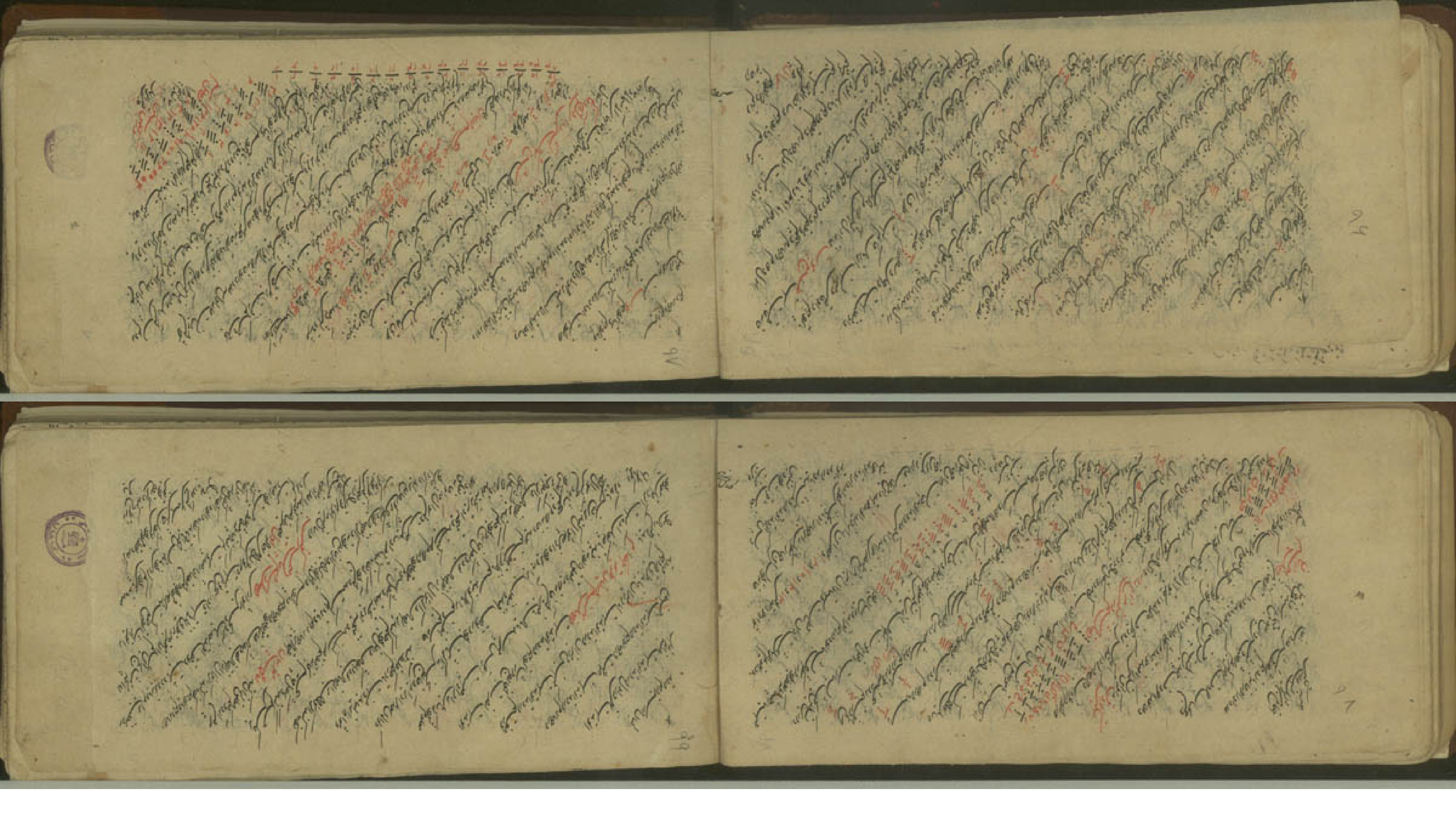


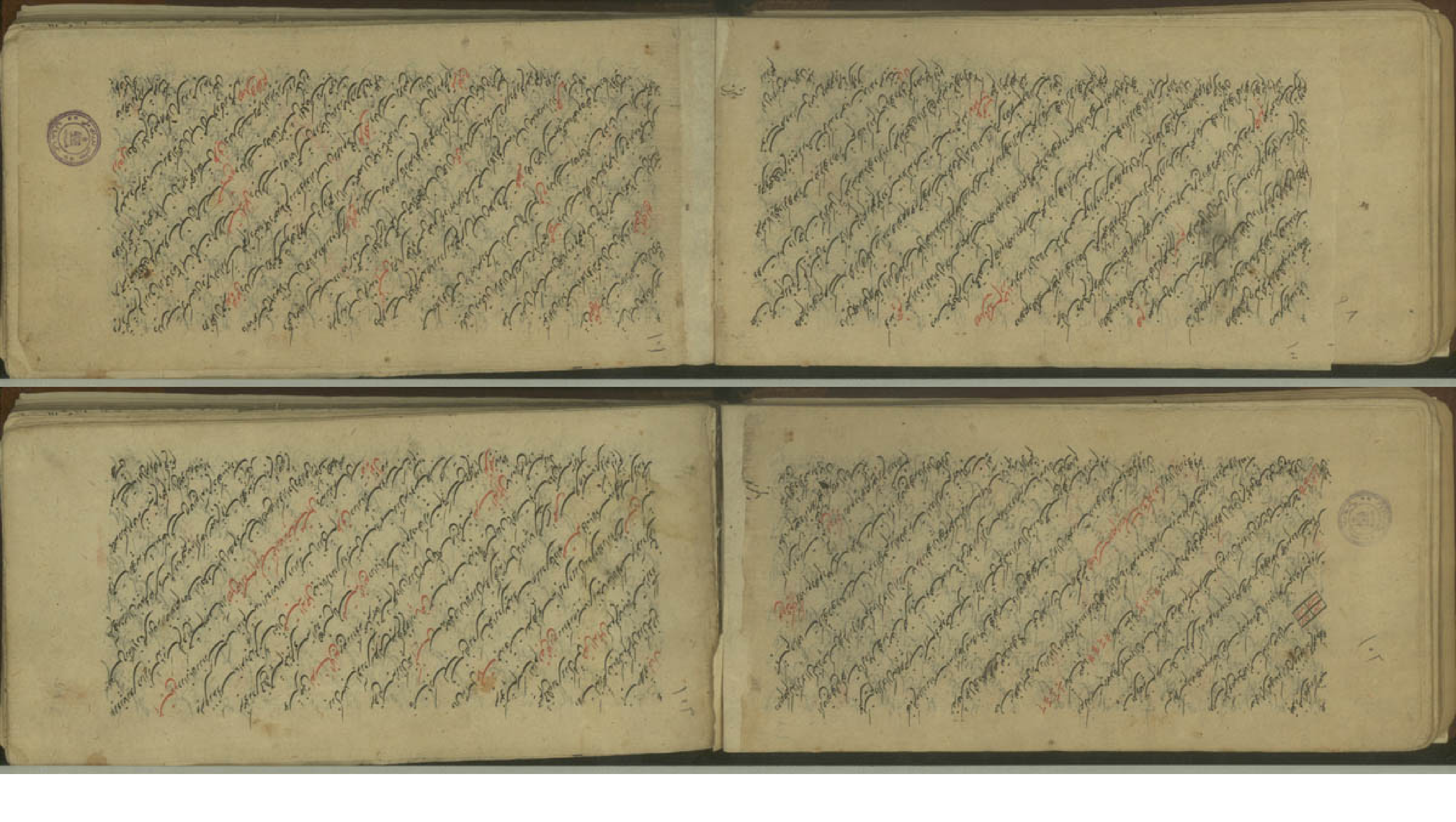


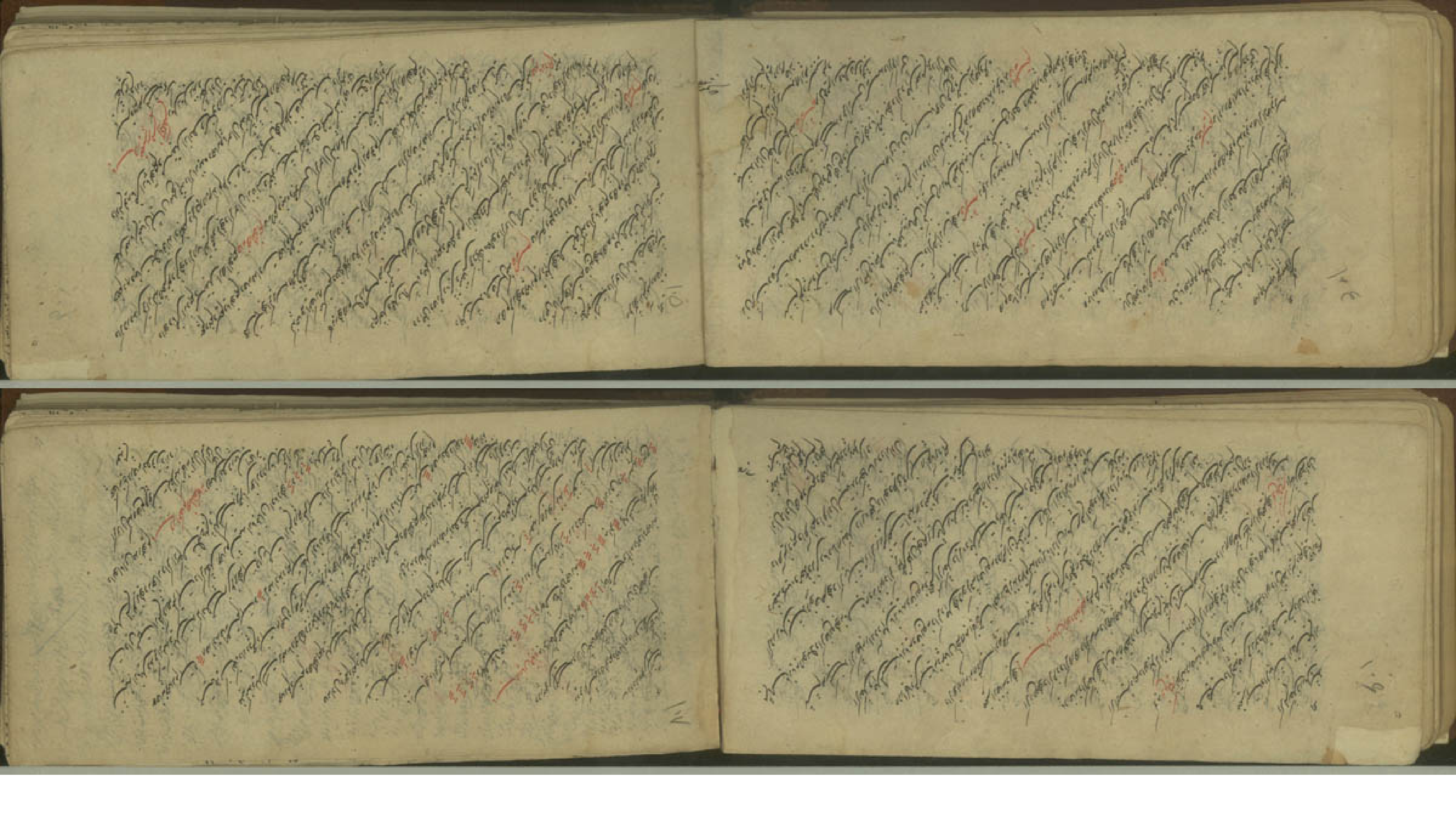


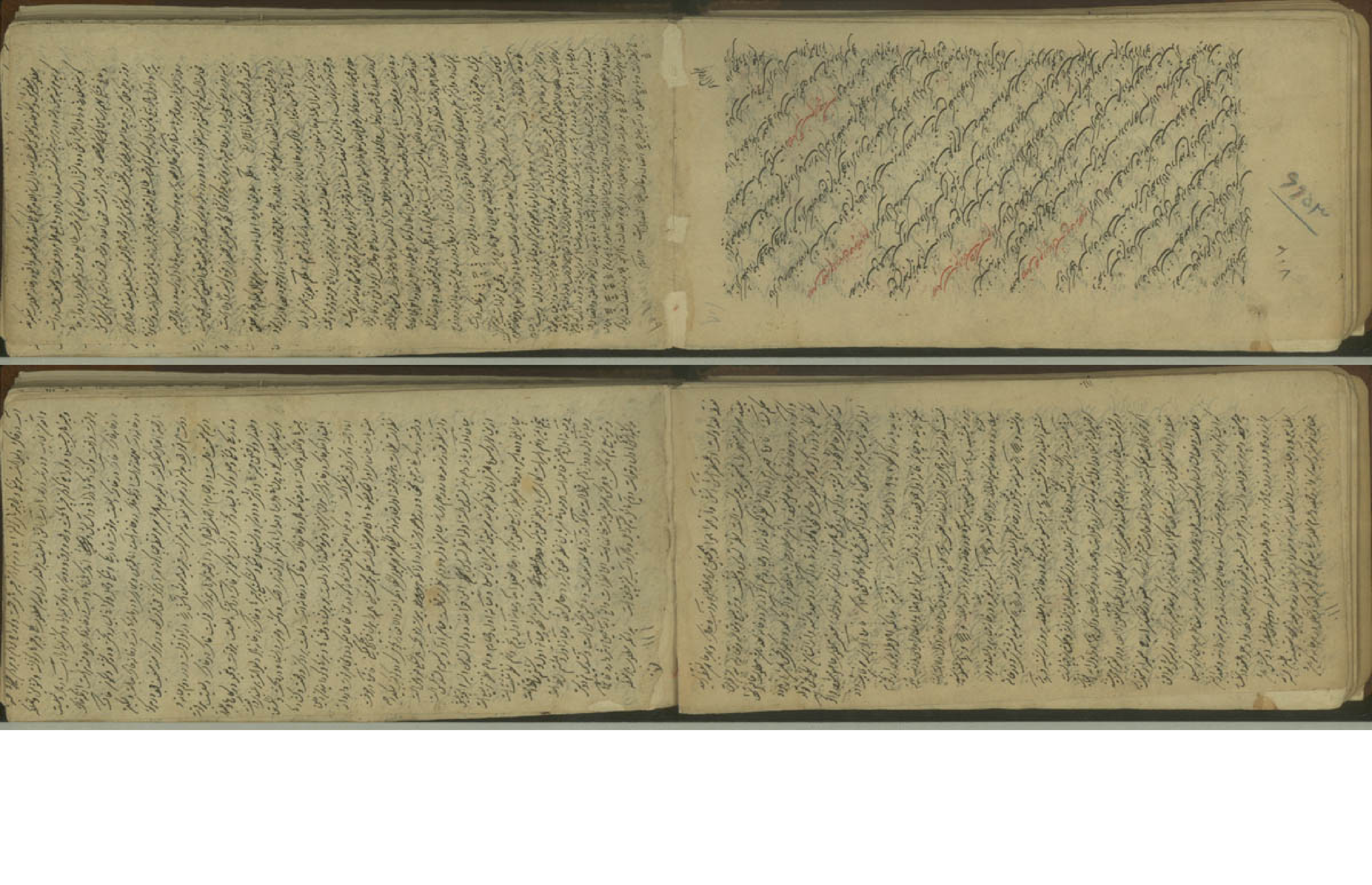


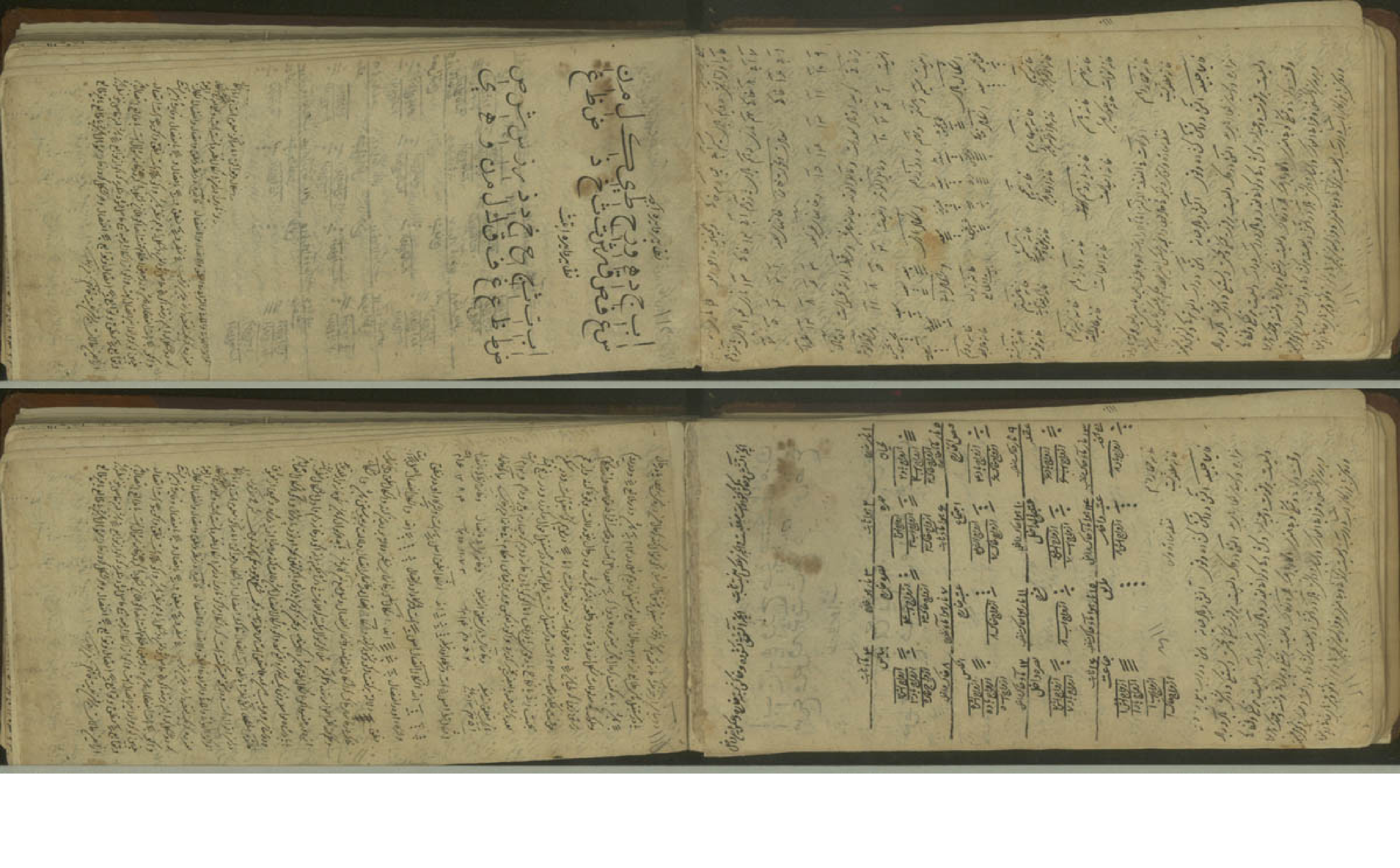












[illegible]

[illegible] نقطه دوم نقطه حقیقت [illegible] و نقطه آتش در خانه [illegible] است [illegible]

[illegible] و نقطه [illegible]

در عکس و نقطه خاک در خانه باد [illegible]

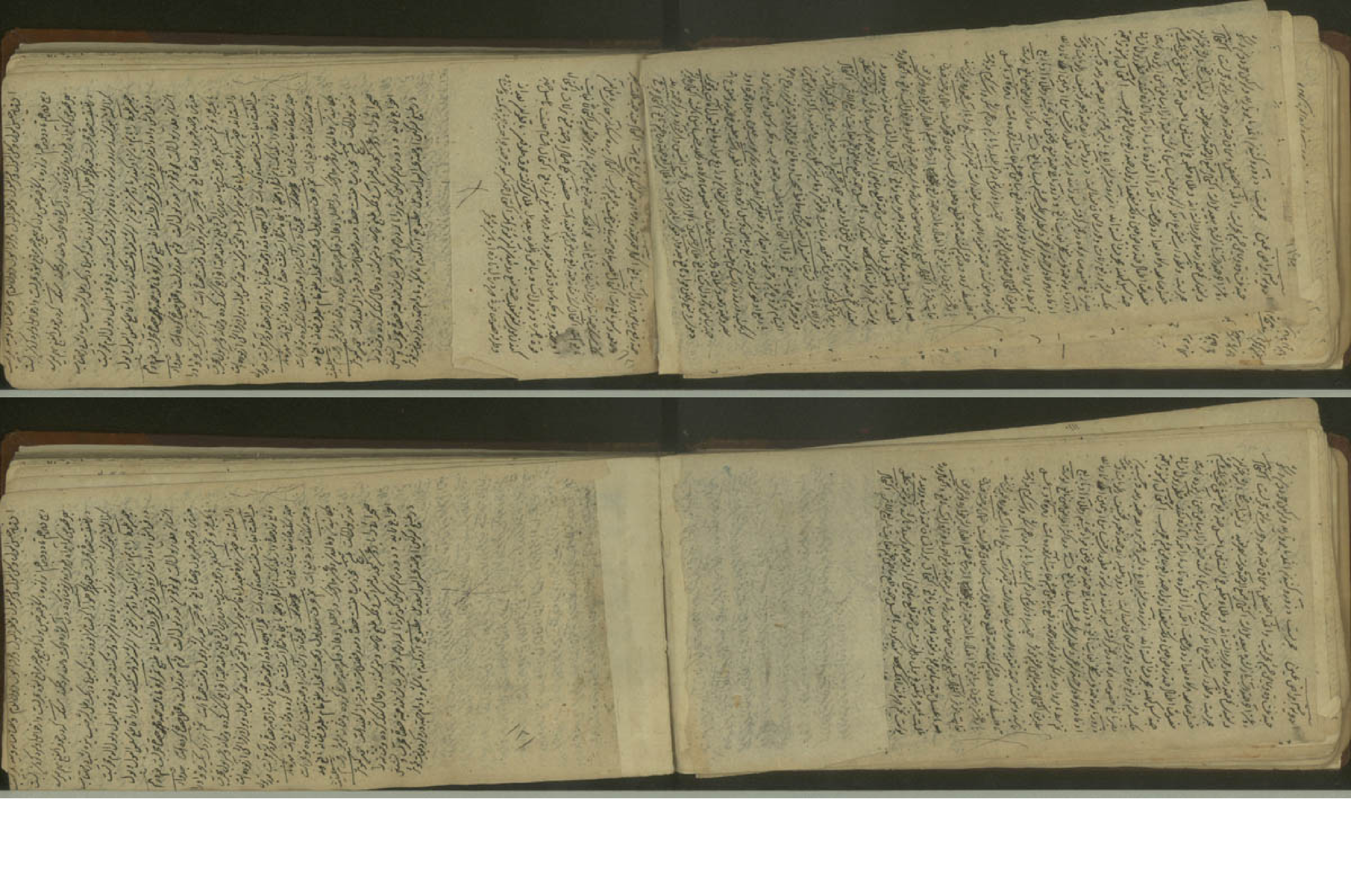
آتش [illegible] و تحت او عکس [illegible]

[illegible] است [illegible]

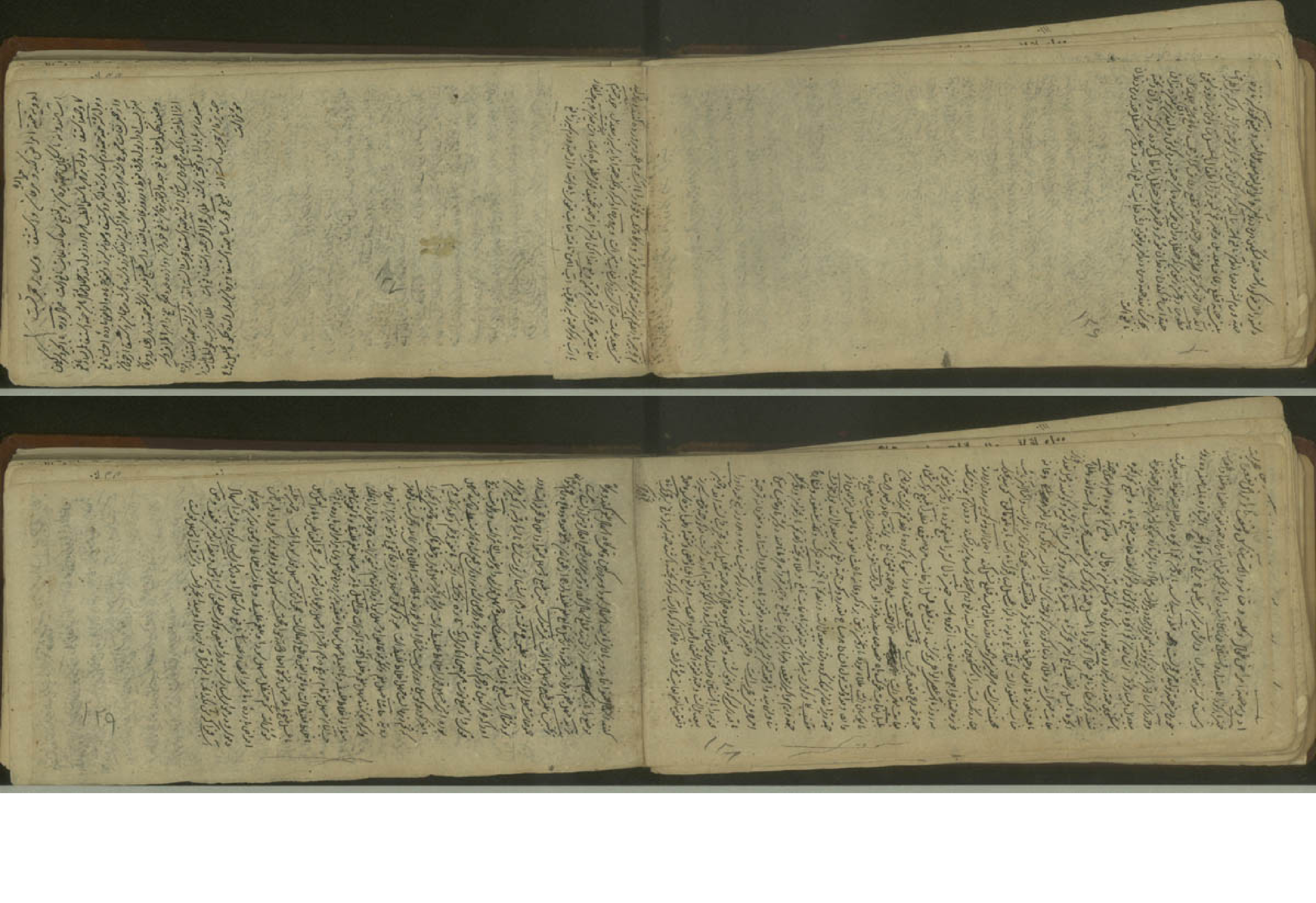
منقلب و آنچه بر عکس اینست ثابت و آنچه [illegible] کرده [illegible] بسته خارج

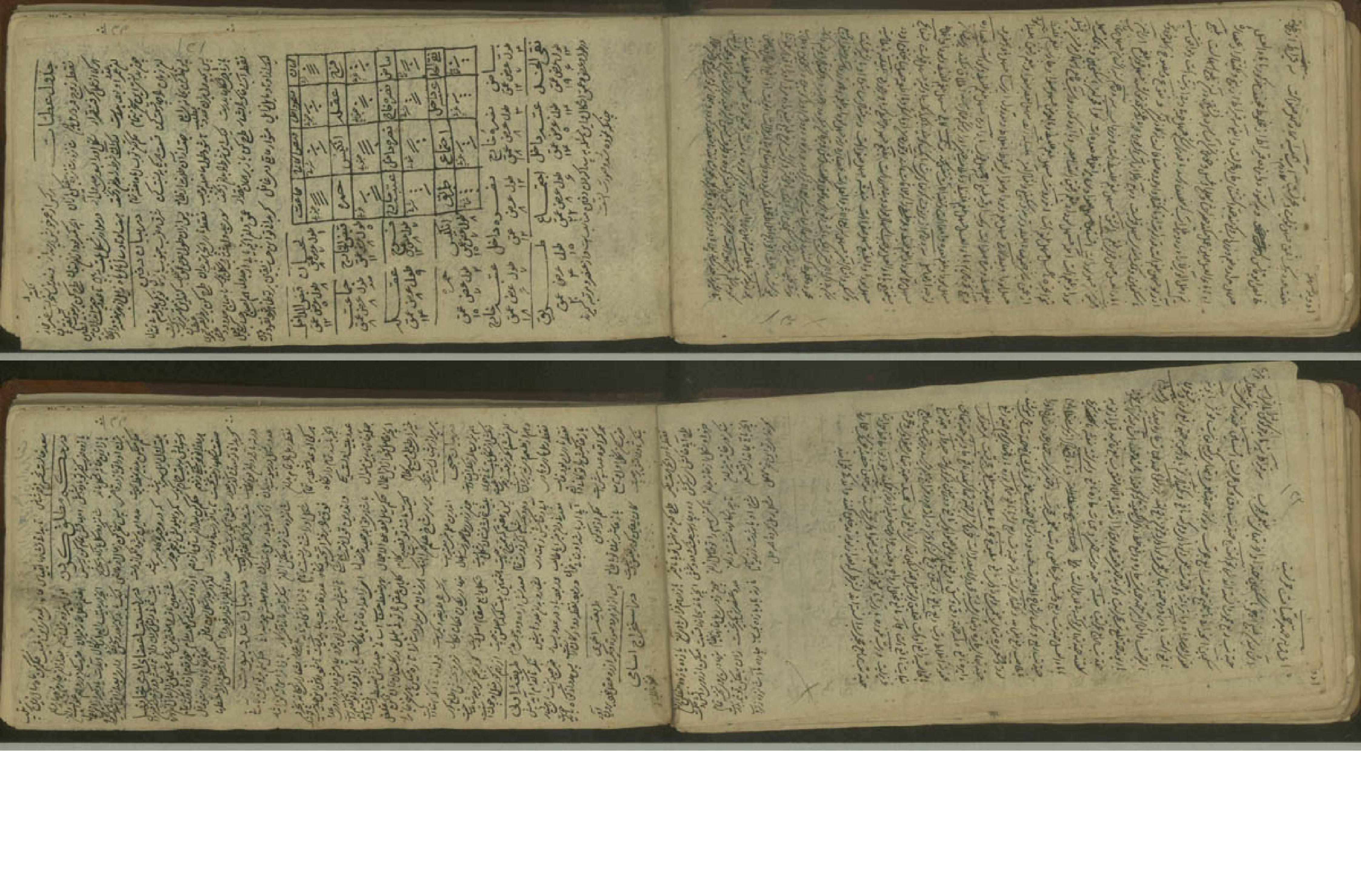
و آنچه عکس این است داخل [illegible]

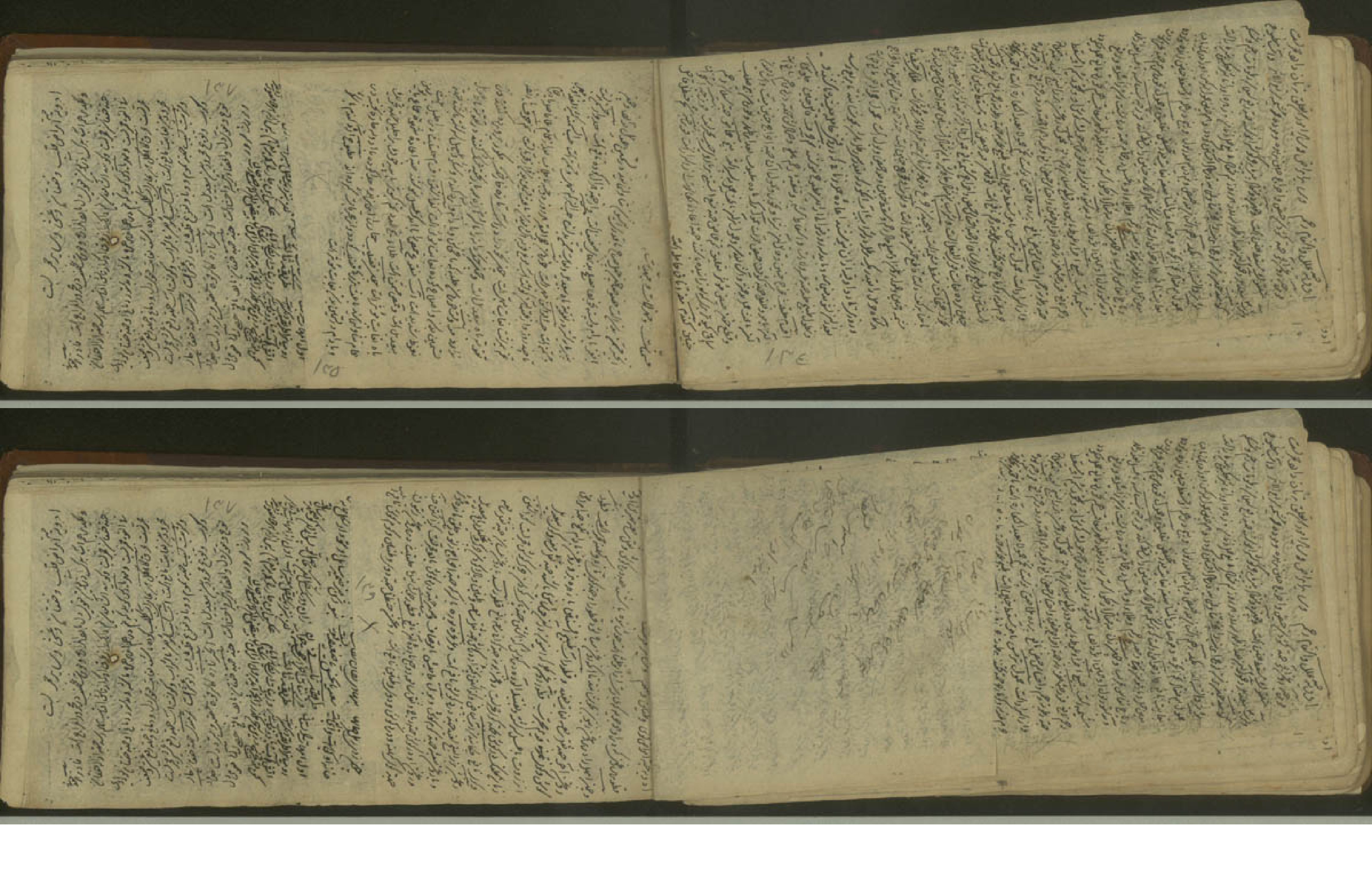
[illegible]

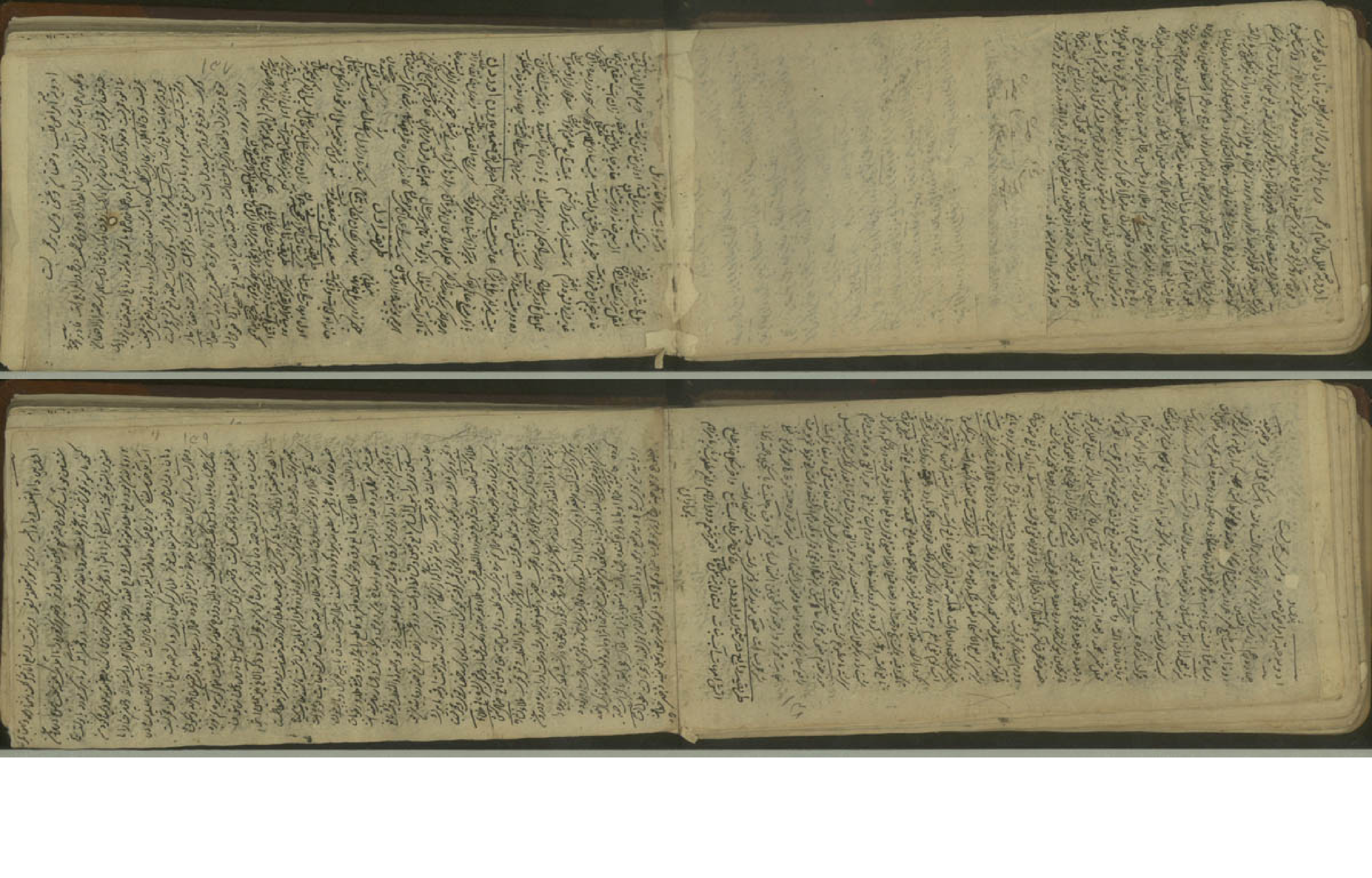


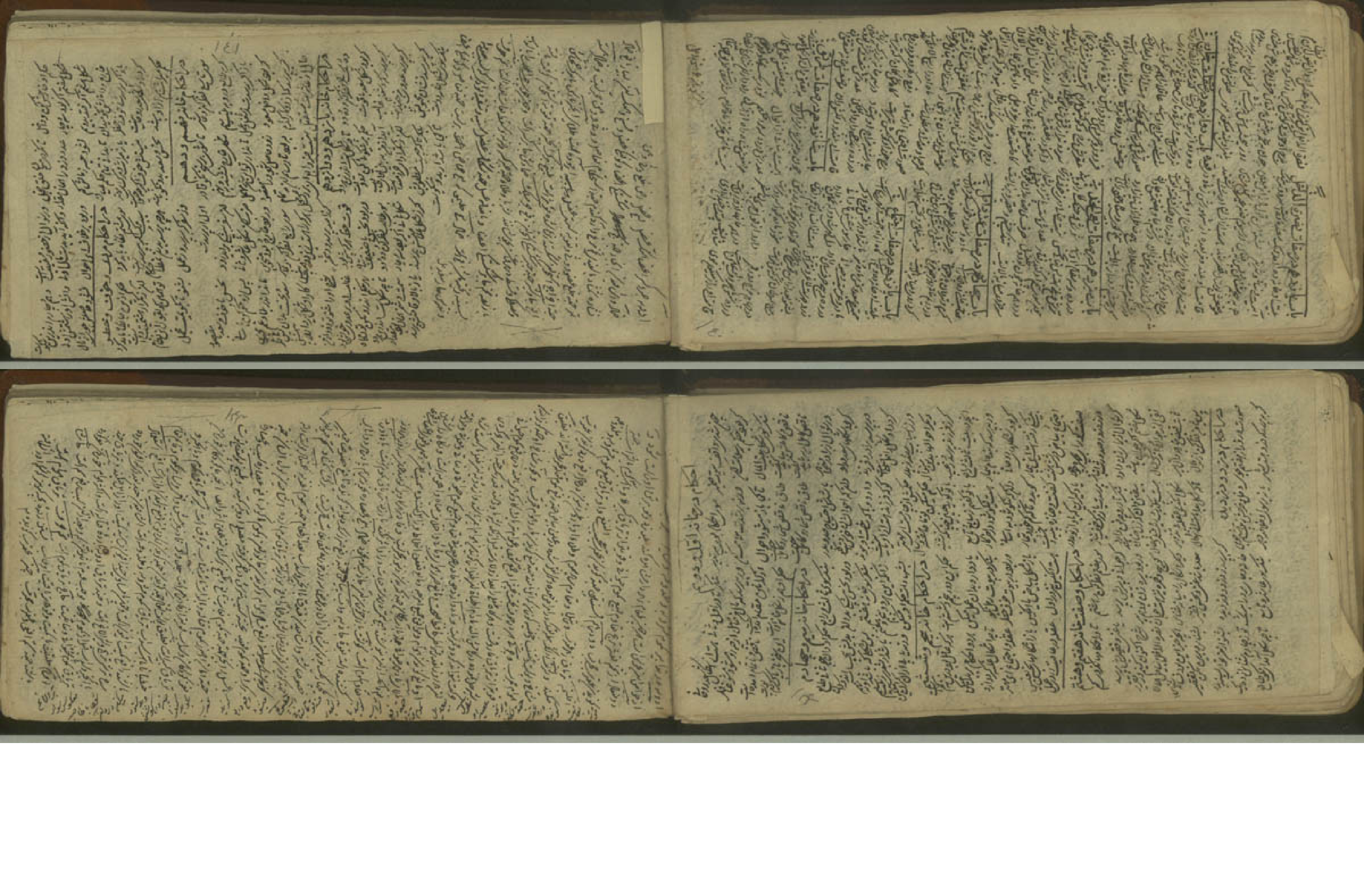
ادویه امراض [illegible] دهن و زبان و دندان و لثه مجربست

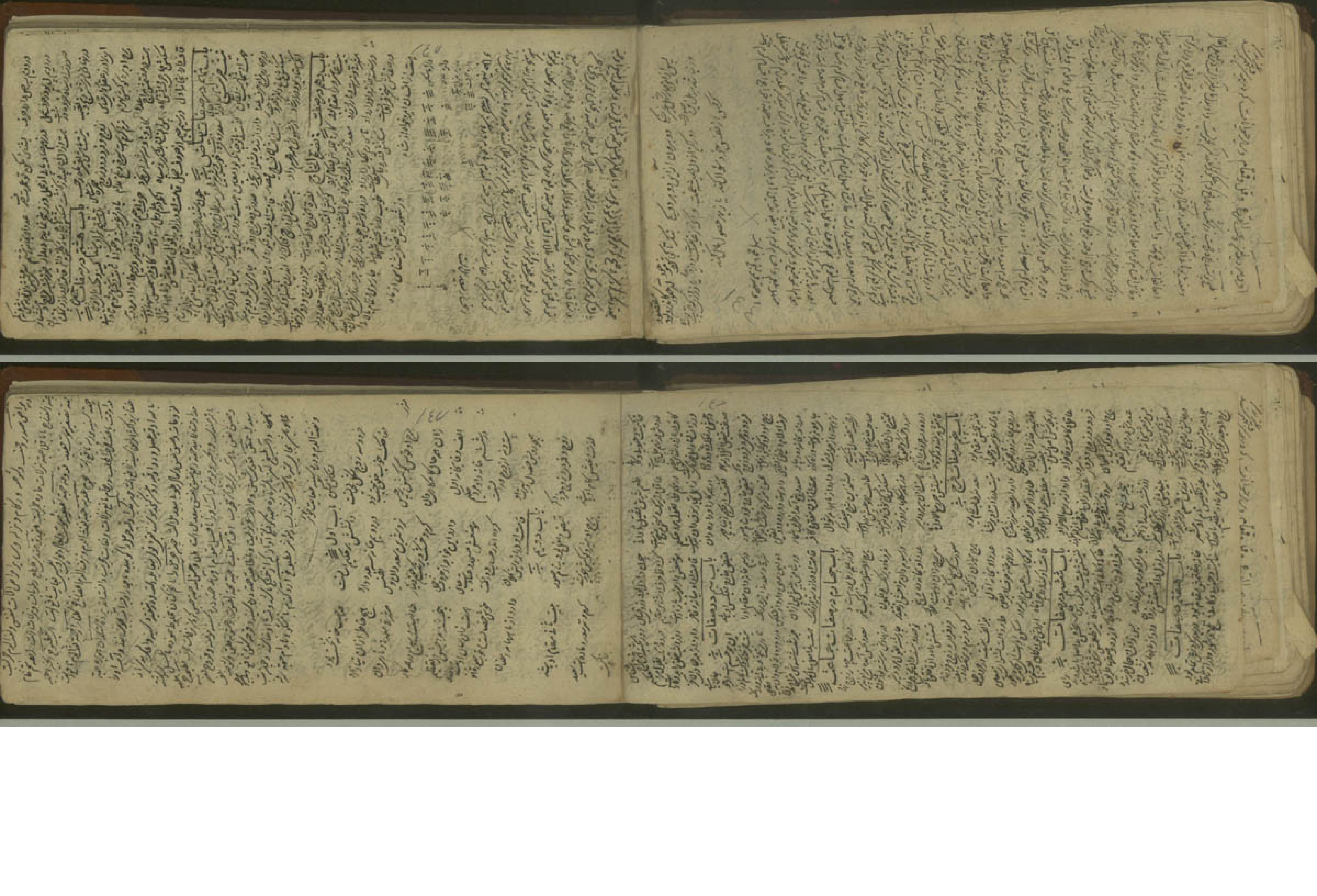












بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی علّم آدم الاسماء وانطق [illegible] من فی الارض والسماء [illegible]
عن احصائه وصف الفصحاء والبلغاء وصلی الله علی نبینا وآله النجباء [illegible]
وسلم تسلیما کثیرا وبعد [illegible]

[illegible]

١٥٦

الاحساس بدانستن ویافتن الانهماک اندر کاری شدن و حریص گشتن
الاولی سزاوارتر الاعتصام چنگ در زدن الاصباح گشتن قریب
شدن الاعداد ساختن الانکار ناخوش داشتن الابیضاض
سفید شدن الاسوداد سیاه شدن الاتی و الاتی و الآتی آینده
الاناة مع الاکو تقصیر کردن الاعلة بیمار شدن الامال
الامداد مدد کردن الاصرار بر گناه ایستادن الاعلی بلندتر
مع الاستکانة فروتنی کردن الاسراف از اندازه در گذشتن
بازگشتن الاصعاد دور رفتن الانابة بازگشتن الاکرام
گرامی کردن الاستزلال لغزانیدن الانقضاض فرود آمدن
الاغلال بند آهنین کردن الاستبداد تنها کاری کردن الابلاء
آزمودن الاطلاع دیدن و آگاه شدن الاجتباء برگزیدن
روشن کردن الادخال اندر آوردن الاخراج بیرون آوردن
الایناس دیدن الایثار برگزیدن الاقساط داد کردن
الاستعفاف پارسایی جستن الاعیاء درماندن
رسیدن الاستمتاع برخوردار شدن الاحصان
حصین کردن الاجتناب دور شدن
الاعتدال راست شدن الاسماع شنوانیدن الاعضال
دشوار شدن الاستضعاف ضعیف شمردن الاذاعة فاش کردن
الاستلاة الاستنباط بیرون آوردن آب
الاقامة بپای داشتن الارکاس نگونسار کردن
اولو الضرر الاثم در گناه شدن الاستغناء

١٥٧

بر داشتن و ایما کردن و الاعلاء بالا بردن الاصطفاء برگزیدن الاظهار
پیدا کردن الاطمئنان آرمیدن الاتباع از پی رفتن
الانابة بازگشتن الابطال باطل کردن الاکل خوردن
کردن الاحتراق سوخته شدن
پنهان کردن الالحاف الحاح کردن الارداء هلاک کردن
الاذن دستوری دادن و دانستن الاذن الایمان
آگاه کردن الافطار روزه گشادن الاملاء و الاملال املا کردن
گواه کردن الاقسط عادل‌تر الاقوم راست‌تر الارتیاب شک آوردن
گروانیدن الائتمان امین داشتن الامانة الاکتساب
کسب کردن الاخطاء خطا کردن الاصر گرانی
الانجیل کتاب عیسی الانتقام کینه کشیدن الاحکام
الام مادر الاذاعة آشکارا کردن الاغناء بی‌نیاز کردن
الاتقاء پرهیز کردن الاقرار
دروغ بر بافتن الاوب و الایاب بازگشتن اللهم ای خدا
الاذلال خوار کردن الایلاج درآوردن الاحضار
حاضر کردن الامد الامرأة زن الابکار
الانجاء رهانیدن الاحتصام
الابرص الاعداد الاطاعة فرمانبرداری

١٥٨

الاباء سر باز زدن الابقاء بجای داشتن ... الایاء
باز زدن الاستکبار گردن کشی کردن الاکل خوردن الاخیر
الابنات جمع الابن الابناء و البنون جمع اسرائیل
الایفاء وفا کردن و تمام کردن الاول نخستین الایتاء دادن
الاتخاذ گرفتن الایجاد الاغراق غرق کردن الاعتداء
الاحسان نیکویی کردن الاستسقاء آب خواستن
روان شدن الانبات رویانیدن الاستبدال بدل کردن
الاحبط ... الاخفاء الاخر
... الارادة
الاسرار نهان کردن الاعلان آشکارا کردن الامنیة
الامنون جمع الامنیة الامانی جمع
خلاف کردن الاعراض روی گردانیدن الاقرار اقرار کردن
و اقرار دادن الاثم بزه الاسیر الاساری
و الاساری جمع الاستفتاح یاری خواستن الاغلف
القلف جمع الاهانة خوار کردن الاشراب
الاشراک انباز کردن الالف هزار اهل الکتاب
الاذن دستوری الاتباع پیروی کردن الانساء
الاسلام گردن نهادن و مسلمان شدن و گردن نهادن
الاختلاف خلاف کردن الارسال
فرستادن الابتلاء آزمودن الاتمام تمام کردن الامام پیشوا
الائمة جمع الامن و الامنة و الامان ایمن شدن الاصطفاء

١٥٩

برگزیدن الاب پدر الاباء جمع الانقلاب بازگردیدن الاستباق پیشی
الاصابة رسیدن و یافتن الاعتمار عمره آوردن و زیارت کردن الاطعام
مجاز دادن الاباحة ... الاکفاء
الاخوة و الاخوان جمع الاخت خواهر الاخوات
الاخر دیگر الاطاقة توانستن الاجابة اجابت کردن الاحلال
کردن ... الابتغاء جستن الابیض سفید الاسود سیاه
الاولاد الاتیان آمدن الانتهاء بازایستادن
الالقاء افکندن الاحصار باز داشتن الاستیسار ...
فی ایام معدودات ...
الاخضر ... اشهر معلومات
الاستطاعة
الارتداد از دین برگشتن الاعنات ... الامة پرستار
جمع الانکاح زن دادن و زن خواستن الاعتزال
شدن الابلاء سوگند خوردن الافتداء ...
شیر دادن الاسترضاع دایه گرفتن ... الاکنان نهان داشتن
الاتباع ... الاقتار درویش شدن الافتراض ...
الافراغ ریختن
الاستمساک ... الاقتار

صلوات ... اللهم سهل علينا ...
يا اكرم الاكرمين ... [illegible]

الاحتمال برداشتن الاستغفار آمرزش خواستن الاهتمام ...
الاذهاب بردن الاستنكاف ننگ داشتن الائتمام قصد کردن
الاصطياد شکار کردن الانسحاق خرد شدن الاستسلام گردن نهادن
... خواستن الاطلاع ديده ور شدن الاعتراه بر اغاليد
الارض المقدس زمين پاك المسجد الاقصى ... الانقطاع
... الاقسام سوگند خوردن الانقياد ...
الاطعام ... الاقتصاد ميانه ... الاكل
... الاطعام طعام دادن الاوسط ...
... الاستحقاق سزاوار شدن الاثم الانقاء ...
الاسطوره ... الاساطير جمع الابلاس نوميد شدن ...
... الاستعجال شتافتن ... الاقبال ...
... الاستهواء ... الاقوال
... الاقتداء ... [illegible]
... الاشياع ... الاشتباه ...
الانكار ... الاستكبار ...
... الاكبر ... الاجرام گناه کردن الاستكبار ...
... الاختلاف ... الاعجاز ...
... الاختلاط ... الاملاق درويشى
... الاغواء ... الايقاد ...
... الاعراف ...
الاعتصام ... الاملاك ... الاستطاره ...

... الاستنباط ... الاجماع اتفاق کردن ...
... الاستغناء ...
... الارداد ... الاكرام ...
... الالتماس ... الاحراز ...
الاملاج ... الاعتراف ... الاستعمال
... الاداء ... الايثار ... الاجتناب
... الاسراء ... رفتن ...
... الالتفات ...
الايراد ... الاطراف ...
... الالتفات ... الارتعاد ... الاكرام
... الانكار ... الاكبار ... الاعتصام
... الاذكار ... الاصلاح ...
... الاكياس ... الاهلاك ...
... الاختلاف ...
... الايثار ... الالحاق
... الاشتراك ... الاسكان ... الاسباغ
... الاستعداد ...
... الاصلاح ... الاجتناب ...
الاحصاء ... الاصطناع ... الاهتداء
... الاتيان ...
الاكتساب ... الامكان ... الاستغراق ...

... الارتحال ... الاستهلاك ... الانتقام ...
... الاسراف ... الاستخفاف ...
... الاجتماع ... الامساك ... الاملاك
... الاخلاد ... الاتحاد
... الاستدراج ... الاقتراب ...
الارتداد ... الانفصال ... الاقتصاد ...
الاتصاف ... الاستيلاء ... الاصال ...
الاحقاق ... الاستعانة ... الاهمال
الابواء ... الارهاب ... الامتحان ...
... الاذان ... الاستجاره ...
... الاصلاح ... الاستصحاب
... الاطهار ...
... الاحماء ... الاستيلاء
... الانبعاث ... الانقطاع ... الاختصاص
... الاعتذار ... الانتقال ... الاعتقاد
... الاعتبار ... الاعتراض
... الاعراض ... الاعتراف ... الابهام
... الارصاد ... الاذواء ...
... الانصراف ... [illegible]
... الاعاده ... الادراك ...

... اصحاب الحجر ثمود ... صالح ...
... الاحتراق ... الاقسام ...
... الاراحه ...
الاستهلال ...
... الافراط ... الاستخفاف
... الاثبات ... الاستعجاب ...
... الاستنباط ...
... [illegible]
... الاستتار ... الايثار ...
... الاصطفاء ... الانتقاص ...
الاختيار ... الاستغفار ...
... الازواج ... الارشاد ...
الاستبشار ... الانقياد ... الاعتكاف ...
... الارتفاق ...
... الافتقار ... الاستنفاق ... الادخال
... الاحقاف ... الارتكاب ...
... الانطلاق ... الارهاق ...
الاستطعام ... الاضافه ... الاشتراك
... الانقضاض ...
الانقاذ ... الاعانه ... الاشتغال ...
... الانتباه ... الاجابه
الانبياء ... الابن ...

نیز کردن ... الإبادة ... الاستقبال پیش باز رفتن اولو العزم ...
[illegible] ... الاسوة ...
[illegible] ...
[illegible] ... الاعتصام ... الاعتیاد ...
[illegible] ... الاحفاء ... الاضطرار ...
[illegible] ... الامتحان ... الاعتیاب
[illegible] ... الاعتیاء ... الاطغاء
[illegible] ... الاستلام ...
[illegible] ... الاکلام ... الاشکاء
الامساء ... الاقامة ... الاصعاء
[illegible] ... الاستقرار ... الارجاء
[illegible] ... الانهار ... الانتقال
[illegible] ... الاحتضار ... الاحتظار ...
[illegible]

الارجاء ... الاعتکاف ... الانفطار ...
الازدیاد ... الاصطناع نیکو کردن ... الایجاب
[illegible] ... الاستعلاء ... الاخراج
الارتقاء ... الامت ... الاختیار ...
[illegible] ... الاعتناء ...
[illegible] ... الاعتزاز ... الاعتزاز ...
[illegible] ... الاستقاء ... الاجحار ...
الایلاء ... الاستیناس ... الادراج
الاثم ... الابتلاء ... الاصطکاک ...
[illegible] ... الادعان ... الاخراج
[illegible] الاکتساب ... الاحتجاج ... الافتقار
[illegible] ... الاغلاق ... الاذلال ...
[illegible] ... الاختیار ... الاصطلاء ...
[illegible] ... الاستیفاء ... الامتزاج ...
[illegible]

[illegible]

[illegible]

١٦٧

[illegible]

١٦٨

ن الابدان جمع ... بادي الرأي ... البلج

... البعد والبعد ...

... البضع

... البراح ...

... البعيرة ... البواد ... البجع ...

البلد ... البردي ... البرد ... البلح

والبجة ... البهج ... البادي ... البادة جمع البلد

... البدن جمع البعيرة ... البتع

... البوح ...

... البرد ... البحرة ... البسوق ...

... البعث ...

... البط جمع ... البرد ... باب التاء

التجر والتجارة بازرگاني كردن ...

[illegible]

١٦٩

التأييد نيرومند كردن و مدد دادن

التخويف ترسانيدن التحديث حديث كردن التظاهر هم پشت شدن التحرم ...

التخفيف سبك كردن التفقه ... التمني آرزو خواستن التقدم پيش رفتن

التقدمة ... التعلم آموختن التفريق والتفرقة پراكنده كردن التبدل

بدل كردن التبين پيدا شدن التوليد ... التأكيد

التكليم سخن گفتن التقبيل ... التوصية اندرز كردن ... التقليد

... التركيب ... التفكك ...

التطوف طواف كردن التطوع ... التعرف

التحريم ... التأدية والأداء ... التكحيل ... التكبير

... التهلكة ... التمتع ... التروية

... التفكر ... الترتيل ... التقوى ... التعلل

... التأخر ... التذكير ... التطهير ... التوكيد

... التطليق ... التفريح ... التعذيب ...

التراجع ... التراضي ... التكليف ...

... التكلف ... التقادر ...

... التوفي ... التعريض ...

التابوت ... التعبث

... التقبيل والتقبل ... التراث ... التكفير

... التوفية ... التعفف

التصلف ... التحفظ ... التقتير ... التحية ... التذكير

والتذكرة ... التابع ... التعذيب

... التحكيم ... التوفر ... التفسير

... التأويل ... التبيه ... التبليغ ...

١٧٠

التقية والتقبة ... التحذير ... التحرير ...

... التكميل ... التفوق ...

... التنوع ... التوكل ... التمحيص ...

... التنازع ... التخويف ... التمييز ...

التطويق ... الترافق ... التعاقل ...

التفصيل ... التوقيع ... التقوي ...

التحاكم ... التحكيم ... التطاول ... التشبيع

... التثبيت ...

التدبير ... التحريض ... التكاثر ...

التحية ... التسليط ... التنازع ...

التعاهد ... التنبيه ...

التبتل ... التغابن ... التصالح ... التغلب

... التقليد ... التفضيل ... الترديد ...

... التذكية ... التكلف ...

... التعزير ... التسمية ...

التطويع ... التناهي ...

... التعضد ... التصليب ... التقطيع

... التعاون ... التعليم ... التملك ... التفريط

... التفصيل ... التوجيه ... التوكيل ...

... التحويل ... التقدير ...

... التصاعد والتصعد ... التعقيد ...

[illegible]

التجافي پهلو از جای دور کردن التعويق باز داشتن الترويج زن دادن

و شوی دادن زن [illegible] التزويق [illegible] کردن التأويب [illegible]

[illegible]

[illegible] التفريع [illegible] التأدين [illegible] التفريق [illegible]

[illegible] التقسيم [illegible] التأخير [illegible]

[illegible] الشدود [illegible] التراب [illegible] الاتراب [illegible] التكلف

[illegible] التكوير [illegible]

[illegible] الفاكس [illegible] التساهي

[illegible] التشاد [illegible] التباب [illegible]

[illegible] التوحش [illegible] التحاج [illegible]

التفحص [illegible]

[illegible] التجاوز [illegible] التقعر [illegible]

التعريف [illegible] التصنيف [illegible]

[illegible] التقديم [illegible] التوقير [illegible]

[illegible] التخليق [illegible] التقصير [illegible]

[illegible] التحبيب [illegible] التكويد [illegible] التأبيد

[illegible] التبصرة و التقصير [illegible]

التثقيب [illegible] التقسيم [illegible] التواصي [illegible]

[illegible] التأثيم [illegible] التقول [illegible]

[illegible] التمادي [illegible] التعاطي [illegible]

١٧٤

١٧٥

[illegible]

[illegible]

باب الثاء

[illegible]

باب الجيم

[illegible]

[illegible]

[illegible]

باب الحاء

[illegible]

[illegible]

ابیره و منظار الاحفاد والحفدان جمع الحفد شتافتن در خدمت [illegible] الحبير

[illegible] الحظر حرام کردن و باز داشتن [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

١٨٤

١٨٥

١٨٦

باب الزاي

باب السين

١٨٧

١٨٨

السأسبان شتركوبرانكرنا خودبا [illegible] مثل بجوه ... الساعر قياس السكر [illegible]
السلالم جمع السقوط افتادن السكر ... المنبت وشنام دادن السم ...
السوق راندن السوق شتى اقتل السكوت خاموش شدن فصل السقى ... دادن
هو السرى شب رفتن السجيل ... السعادة نيك بخت شدن السعيد
نيك بخت السعد نيك بخت كردانيدن ... السجن ... زندان كردن السكين والسكا...
جمع السجن زندان السمن فربه شدن السيلان ... السيلان رفتن السيل ...
السربال پيراهن السرابيل جمع ... السلك راه رفتن ... السلوك راه بردن
السكر ... آب ... كه نام ... السن ازجهل ... دادن
... السموم باد كرم السرير تخت السرر جمع ... السرج
... سرور السروج ... السجود ... سنم ... كردن ...
... سنم السقف ... السقوف جمع السوق ...
... السكر ... السرير ... السطح ...
... السرادقات جمع السفينة كشتى ... السفن جمع ... السمي ...
السوى ... السرى ... السرج ...
... الساحل كرانه دريا ... السحت والاسحات ...
... السبح ... الساحر ...
السحل ...
... السطوة ...
... السراب ...
... الساروق ... الاسواق ... السارق ...

١٨٩

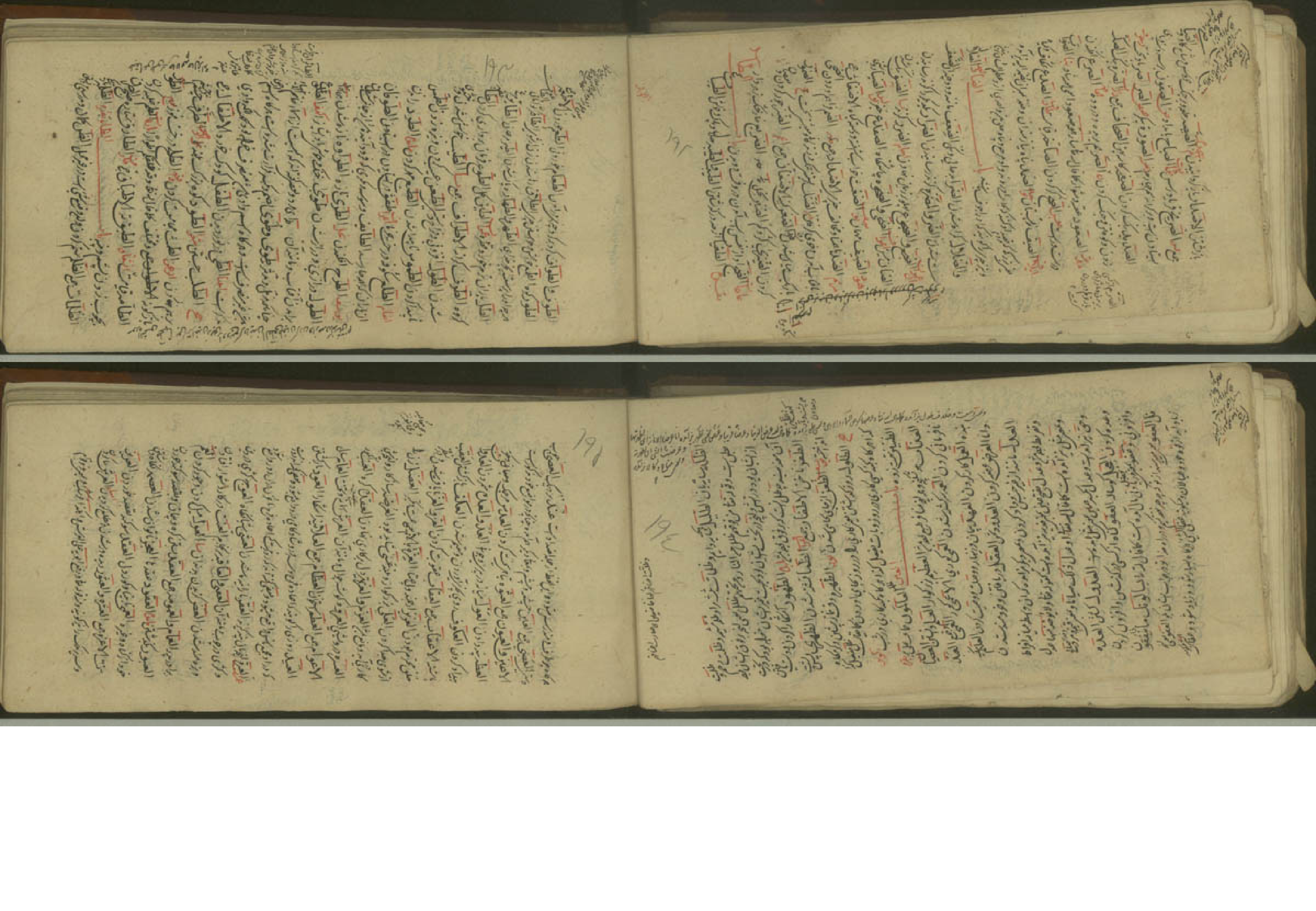
السراج چراغ ... نام قبيله ... السلو ...
كردن ... السبوغ فراخ وتمام شدن السرد زره ...
السداد ... السلخ ... باز كردن ... القمع
... السحر والسحر ... شدن الساحر ... السلسلة
زنجير السحب كشيدن السحو ... كردن ... السواد ...
الاسود جمع الاساود ... السهو غافل شدن ... السطوة ...
شدن ... السمود ... كردن ... السك
... السود ... السكر ...
... السمك ... الساهرة روى زمين ... السمر ...
... السطح ... السوط تازيانه ... السقا آب ... السجود
... باب الشين الشعر ... الشهيد
كواه ... الشهداء جمع الشجر درخت الاشجار جمع الشفاعة
... الشكر ... كردن الشرب ... الشهادة ...
دادن الشهود ... الشراء والشرى ... فروخت كردن الشقاق
... كردن الشطر ... الشعر ...
... الشعار جمع الشعراء ... الشهور والاشهر ... الشهوة ...
... الشريك ... الشركاء جمع الشرك ... الشجر ...
... الشح ... الشحم ... الاشحاء ...
... الشفاء ... الشعر ... الشرع ...
... الشمس ... الشرع ... الشفاعة

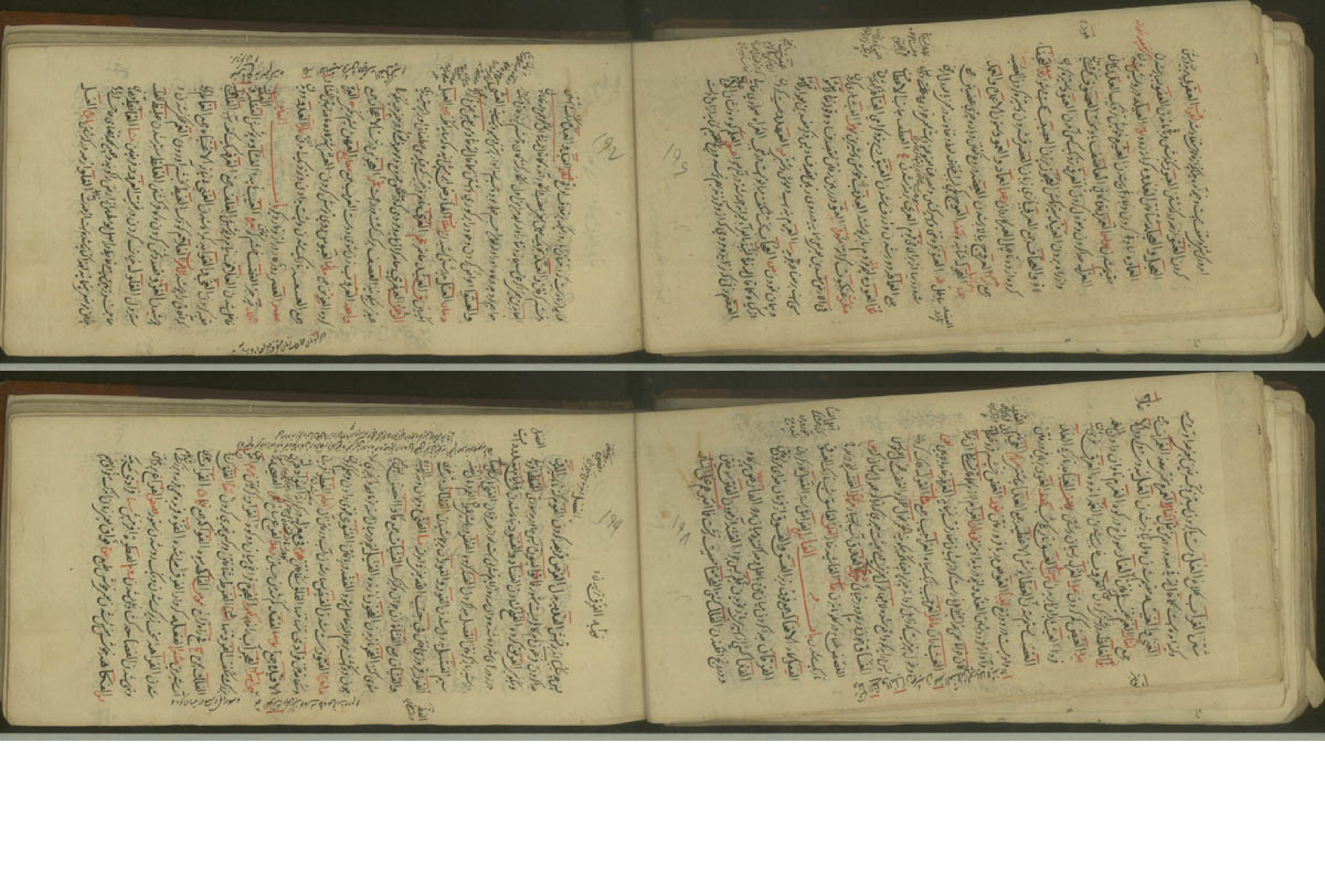
كلام ...

الشد ... الشأن ... الشيخ ... والمشايخ ...
... الاشقياء جمع الشهوة ... الشغف ...
... الشخص ...
... الشهاب ستاره روشن ... الشوق ... الشعر ...
الاشعار جمع ... الشاكلة ... الشطط ...
... الشيب ... الشقي ...
شدن ... الشاعر ... الشرع ... الشجر ...
الشاطى ... الشواطى جمع ... الشغل مشغول كردن ... الشوب ...
... الشعب ... الشعوب جمع ... الشعرى نام ستاره ...
... الشوط ... المشوى ...
الشطط ... الشيوخ ... الشعبة شاخ الشعب جمع ...
... الشفع جفت ... الشعر ... الشاد ... باب
الصاد ... الصلوة نماز ... الصمم كرى الاصم ... الصم ...
... الصاعقة ... آتش ... كه از آسمان فرود آيد ...
الصواعق جمع الصدق راست كفتن ... الصلاح والصلوح نيك
شدن الصلد سنك سخت ... الصفوان سنك ...
الصاحب ... الاصحاب جمع ... الصلح ...
... الصبر ... الصعود ... صبغة ...
...
... الصفا
سنك ... الصاع ...

١٩٠

الصور ... الصوم والصيام روزه ...
الصيد ... الصعود ... الصدق ... جمع ...
... الصرف ... الصدقة ... الصدقات جمع ...
والصلى سوختن ... شدن الصلى والاصلاء ...
الصلب ... الاصلاب جمع ...
الصعيد روى زمين ... الصلب ...
الصنع صنعت كردن الصمم كرشدن ... الصدوف ...
... الصورة ... الصفير ...
الصفح ... كردن ... الصغار ... الصعود
... الصحيح ... الصبح ... الصبو والصبوة ...
الصدر ... الصدود ...
الصوان جمع ... الصعيد ... الاصعاد ...
... الصوف پشم ... الاصواف جمع ... الصوت آواز
الاصوات جمع ... الصف ...
... الصدف ...
...
... الصفصف ...
... الصبي كودك الصبيان جمع ...
... الصوامع جمع ... الصبغ ... الصديق ...
الاصدقاء جمع الصهر ... المصنعة ...
... المصانع جمع ... الصرح ... الصدر والصدور





... [illegible] فصل الخطاب جدا کردن [illegible] الفصا
الفنا [illegible] الافنان [illegible] الفصیله
دودمان [illegible] الفجور [illegible] دروغ گفتن الفاقه [illegible]
الفضول [illegible]
[illegible] الفلک والفکاک آزاد کردن [illegible]
الفیل پیل الفلق سپیده دم

باب القاف

قبلک پیش از تو القبل [illegible] القوم [illegible]
ایستادن [illegible] القدیر توانا القادر توانایی و توانا شدن القطع
بریدن القربان نزدیک چیزی شدن العلیل [illegible] العله [illegible]
القبول پذیرفتن [illegible] نام [illegible] القوم گروه مردم [illegible]
کشتن [illegible] القوه نیرو [illegible]
القود والقوده جمع القسوه والقساوه سخت دل شدن [illegible]
[illegible] القدس والقدس [illegible] القنوت فرمان برداری
کردن [illegible] القضا حکم کردن و گذاردن و تمام کردن
و حکم کردن القتل [illegible] القصاص [illegible]
[illegible] القتلی جمع القاتل [illegible] القول [illegible]
[illegible] القروء والاقراء جمع القدر
اندازه کردن القرض وام والقروض جمع القبض [illegible]
و تنگ کردن القدم پیش [illegible] الافطار [illegible]

القسط داد [illegible] القلم [illegible] الاقلام جمع القفل
والقصص [illegible] القرح [illegible] القعود نشستن [illegible] القلق
شدن القسم و القسمه بخش کردن القربی [illegible] القبل [illegible] القصر کوتاه کردن
والقصور کوتاه شدن [illegible] القلاده گردن بند القلائد جمع [illegible]
القسیس [illegible] القسیسون جمع [illegible] القرطاس [illegible] القهر
القرء [illegible] القدر [illegible] القنو
خوشه خرما القنوان جمع القبل [illegible] برابر [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] القیلوله [illegible] القصر کوشک [illegible]
القصوی [illegible] القصد [illegible]
[illegible] القطعه پاره از چیزی القطع جمع قوم [illegible]
القصص [illegible] القرع کوفتن [illegible]
[illegible] القطران [illegible] القطر [illegible]
[illegible] القسطاس [illegible]
القفو والقفو از پی رفتن القصف شکستن القنوط [illegible] القرط [illegible]
[illegible] القر والقرور روشن شدن چشم [illegible]
[illegible] القذف [illegible] دشنام دادن [illegible] القصم شکستن [illegible]
القنوع خواستن القناعه خورسند شدن القاعد [illegible]

دادن القواعد جمع [illegible] القتر والاقتار والتقتیر [illegible] تنگ کردن القوام [illegible]
[illegible] القادر [illegible] القوارير جمع [illegible]
[illegible] الطلب [illegible] القطر [illegible]
الاقطار جمع [illegible] القلائد [illegible] القلاده [illegible]
[illegible] القسط [illegible] القبیله گروه مردم [illegible]
ق و القرآن المجید [illegible]
[illegible] قاب قوسین مقدار [illegible]
القطف [illegible] القول [illegible] الاقوال جمع [illegible]
جمع [illegible] القدد [illegible]
[illegible] القسوره شیر [illegible] القمطریر [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] القصر کوشک [illegible] القصص [illegible]
[illegible]
[illegible] القطر [illegible] القدح [illegible]
[illegible]

باب الکاف

[illegible] الکفر ناگرویدن الکون و الکینونه بودن الکذب و الکذب
دروغ گفتن [illegible] نزدیک شدن [illegible]
[illegible] الکبر [illegible]
[illegible]

[illegible] الکبیره [illegible] الکظم و الکتمان پوشیدن [illegible] نهان کردن
[illegible] الکلمه [illegible] الکلمات جمع [illegible] الکر باز گردانیدن
الکره یکبار باز گردانیدن الکمال تمام شدن کافه همه الکسوه پوشش [illegible]
[illegible] الکهل [illegible] الکفر و الکفور و الکفران ناسپاسی
الکفاله پذیرفتاری کردن الکید [illegible] فریب دادن الکب [illegible]
[illegible] الکظم خشم فرو خوردن [illegible] الکثره بسیار شدن [illegible]
[illegible] الکبیره گناه بزرگ الکبائر جمع [illegible]
الکرم [illegible] الکسل [illegible] الکسلان [illegible] الکسالی
[illegible] الکعب [illegible]
[illegible]
[illegible] الکعاب والکعوب جمع [illegible] الکف [illegible]
[illegible] الکوکب ستاره [illegible] الکواکب جمع الکتان [illegible]
[illegible] الکرب [illegible]
[illegible] الکلب سگ الکلاب جمع [illegible] الکنز گنج [illegible]
[illegible] الکرسی [illegible]
[illegible] الکهف [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

۲۰۴

... [illegible] ... سنگ عظیم ... افتاد ... مضطرب شد ...

... [illegible] ...

... كلاءه ... الكلاءة نگاه داشتن ... [illegible]

... كردن ... الكلم ... الكعب ... [illegible] ... الكعثب ...

الكأس ... [illegible]

الكاس ... الكؤوس جمع ... [illegible]

... [illegible] ... الكاف ... الكفار جمع ... الكف ...

الكفت ... الكفات ... الكعوب ...

... [illegible] ...

... الكشط باز كردن چیزی ... الكوس ...

... الكدح كار كردن ... الكنود ناسپاس ... [illegible]

باب اللام

اللعب ... اللثات ... الكدس ...

... اللتان ... اللاتي واللواتي واللائي ...

... اللباس ... اللبس ... [illegible]

... لكن ... لكن واحد لولا و لوما ... [illegible]

... لولا ... لوما تاتينا بالملائكة ... [illegible]

... [illegible] ... لما ...

الا ... [illegible] ... اللعن واللعين

۲۰۵

... اللثغ ... [illegible] ... لدن و لدى

... [illegible] ... اللمس ... [illegible]

اللين واللبان ... اللهو ... اللطيف ...

... اللوح ... اللهث واللهاث ...

... اللغب ... اللف ... [illegible]

... لا جرم ... اللقاح ... اللواقح

... [illegible] ... اللحم ...

... اللفيف ... اللحد ...

اللحى جمع ... اللبوس ... اللؤلؤ

اللآلي جمع ... اللجاج واللجاجة ... اللجج ... اللجي ... اللواذ

... [illegible] ... اللطف ...

... [illegible] ... اللغوب ... اللازب

... اللذة واللذاذة مزه ... لات حين مناص ...

... [illegible] ... لاجرم ...

... [illegible] ... اللغط ...

اللات ... [illegible] ... اللبد ...

... اللظى ... [illegible] ...

... اللوح ... اللهب ... الالد

... اللبد ... [illegible] ...

باب الميم

الملك ... المالك خداوند ...

۲۰۶

ما بمعنى ... [illegible]

... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ... عمم ...

... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ... الا ... [illegible]

... [illegible] ...

۲۰۷

... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ...

... [illegible] ...

... الحاد ... الموهن ...

... الملك ... المثل ... المنتهى ...

... المرء ... المثلى ... الميت والميت ... الاموات

والموتى جمع ... الملك ... الملائكة جمع ... المتاع ...

... [illegible] ... المرة ...

... الملاقات ... المواقيت ...

... المغفرة ... المصر ... المسكنة ...

... المسكنة ... الموعظة ...

... الملجأ ...

... المكر ...

... المعاهد ... المواقيت

... المحبة ... المسجد ... المنع ... المشرق

... المغرب ... [illegible] ...

... المنافق ... الملائكة ...

... المودة ... [illegible] ...

المباشرة ... المقاتلة ...

المواظبة ... [illegible]

المناداه خواندن [illegible] و المعاقبه عقوبت کردن المجادله [illegible]
کردن المقاصده [illegible] و [illegible] بازرستن المشعر الحرام
[illegible] مشهور [illegible] المکاضمه [illegible]
المجاهده با کسی [illegible] کردن [illegible] المقیره [illegible] المتعه
[illegible] المعاجوه [illegible] المخالطه [illegible]
المحیض [illegible] المواضع [illegible] المعروف [illegible]
المواتات [illegible] المضاده [illegible] الماسه و المماس [illegible]
سودن [illegible] الباسا و الضراء
المضاعفه [illegible] الملا [illegible] بزرگان المفضل [illegible] المجاوره
[illegible] المکاهد [illegible] کردن المودود [illegible] الملاحه
المن [illegible] نهادن [illegible] الموالاة [illegible] المسب
[illegible] المحو [illegible] کردن [illegible] المجیره [illegible]
العزان المعاد [illegible] المآب جای بازگشت المحراب جای
[illegible] المحادب جمع الملاهی المبادله [illegible]
[illegible] المکبع [illegible]
المکافله [illegible] المضجع [illegible] المضاجع جمع
المناهد [illegible] المبرز [illegible] المصابره [illegible]
المواظره [illegible] المعاشره
با کسی [illegible] المکان جای الامکنه جمع المغنه [illegible]
المناظره [illegible] المصافه [illegible] المواداه [illegible]
[illegible] المدخل جای در آوردن [illegible]

[illegible] المقال [illegible] الموضع [illegible] الملاعب [illegible]
[illegible] المسح [illegible] المعتم [illegible] المعاتم
جمع المواعمه [illegible] المواعم [illegible] المطر
باران الامطار جمع المرود [illegible] المحیض [illegible] المحمصه
المرقاة [illegible] المواراة [illegible] المحادبه [illegible] المخالفه
با کسی خلاف کردن المهیمن [illegible]
[illegible]
[illegible] المنهاج [illegible]
المعاقبه [illegible] خوردن [illegible] المایع [illegible] المقدار [illegible]
[illegible] الفتح و المفتاح کلید المفاتح جمع الملکوت [illegible]
[illegible] العشر
[illegible] المعاشر جمع المغادره [illegible] المعیشه [illegible] الملاء
[illegible] المقاسمه [illegible] خوردن المتانه [illegible]
المخطه [illegible] المرور [illegible] المکاه و المکو [illegible]
[illegible] المصی و المصافاه [illegible]
المطاهره [illegible] الموصد و الموصاد [illegible] المسکن جای آرام
المساکن جمع الموطن [illegible] المواطن جمع المضاهاه و المضاهاه مانند
[illegible]
[illegible] المواطاه [illegible] المحاباه [illegible] المعاد
[illegible] المغارات جمع المدخل [illegible] المعرم [illegible] المعاد

خلاف کردن الموعود [illegible] کردن المبایعه با کسی بیعت کردن [illegible]
[illegible] الموج [illegible] الامواج جمع [illegible] المویدیک المخاطبه با کسی [illegible]
[illegible] یوسف معاذ الله [illegible] المواوده [illegible]
[illegible] المتکاوه [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] المکیین
[illegible] المیره [illegible] الموثق [illegible] المحاط
و المحال [illegible] کردن الملکث [illegible] المحو [illegible] المحاله
و المخلال [illegible] المخرشگافتن المنبد [illegible]
[illegible] الموج [illegible] المناداه و المواداه با کسی [illegible]
[illegible] کردن [illegible] المهکلسه [illegible] المحاوره و المحاوله
[illegible] المغادره [illegible] الموثق [illegible] المصرف
جای [illegible] الموئل [illegible] الملاذ [illegible] الملاء [illegible]
[illegible] المخاض [illegible] المغاضبه با کسی خشم کردن
[illegible] المصغر [illegible]
از نقصان [illegible] المجوسی [illegible] المجوس [illegible]
[illegible] المقامع [illegible] المعاجزه [illegible] المعین [illegible]
[illegible] المکاتبه [illegible] المشکاه [illegible]
[illegible] المصباح [illegible] المجوس [illegible]
المصابیح

[illegible]

الملوحه [illegible] الموج [illegible] المصعد [illegible] المصانع
جمع [illegible] المهین [illegible] المساعده [illegible] المسخ
[illegible] المداد [illegible]
المساهمه با کسی [illegible] المقلاده و المقلید و المقلاد [illegible] المعی [illegible] الامعا
جمع [illegible] المعرج [illegible] الموازنه [illegible] المریج [illegible]
المنون [illegible] المنون [illegible] المرغ [illegible]
[illegible]
[illegible] المقصود [illegible]
[illegible]
[illegible] المرجان [illegible]
[illegible] المناهه [illegible] المزاب [illegible]
المناجاة با کسی راز گفتن الموادده [illegible] المحبه المعاداة
با کسی دشمنی کردن [illegible] المنکب [illegible] المناکب جمع [illegible] المجاهره
آشکارا کردن [illegible] المهیل [illegible] معاذیره [illegible]
المسح [illegible] المزاج [illegible] الملکین [illegible]
کردن [illegible] السفینه [illegible] المقبره [illegible]
المقبره [illegible] المقابر جمع [illegible] الماعون [illegible]
[illegible] السلف [illegible] النون

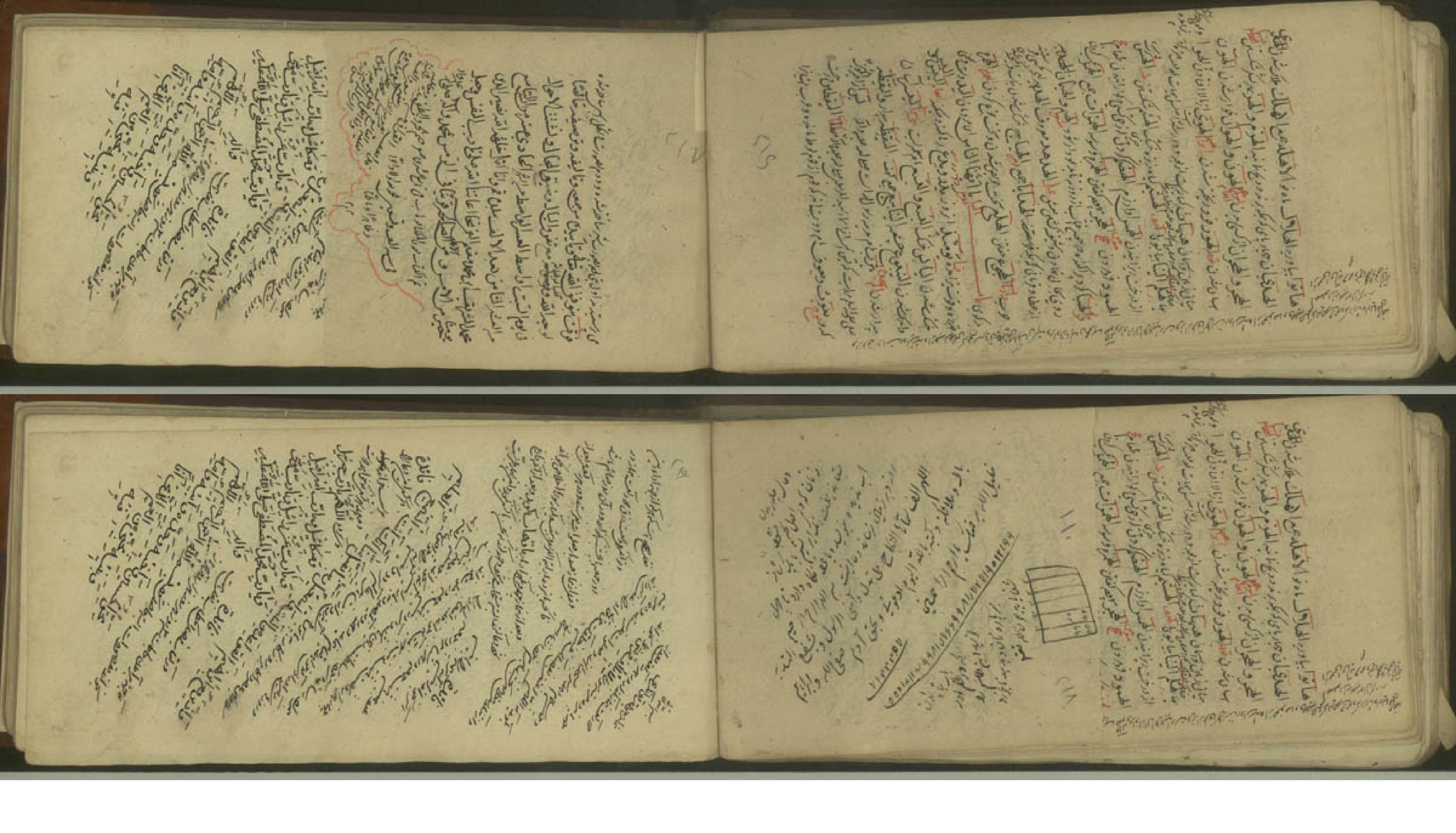
نعم کلام ایشان بر خود ... آمده که اذا اتتک المنافقون نفیهم الخ ...

نوی انعال النقل فیئت الانفال جمع النکوص برگشتن توبه النجاسه پلید شدن النسی
با زپس افکندن النصب رنجه شدن هود النواصی جمع الناصیه موی پیشانی النواحی
جمع النکر و النکره ناشناختن شعرا النجم ستاره از نمل النظفر گیتی دوزن النمل
نمل کردن النحله نحل النفاد و النفوذ دستوری و سیری و نیست شدن بنی اسرائیل النقیر
گروهی که برای کاری برخیزند کهف النزل آنچه پیش مهمان نهند چون فرود آید مریم النسی
حیض و چیز خوار که او را بیندازند و چیزی حقیر که پشت وز فراموش شده اللدم النجیه و النجی
جمع النسف برکندن و بر باد دادن انبیا النفخ دمیدن و دمیدن النطق سخن گفتن النکس
نگونسار کردن النسلان پوییدن و دوان شدن کما قال الله تعالی الی ربهم ینسلون
مومنین النکوب از راه گشتن النسخ شستن نمل النمل مورچه قصص النوء گران کردن
و بگرانی برخواستن و بیفتادن عنکبوت النشاء پدید آمدن جمع النشاه آفریدن
الم سجده النحب چیزی که نذر کرده باشد و واجب گردانیدن ص النوص برگشتن النجم ستاره
و بریدن و گیاهی ساق رحمن النفوذ و النفاذ گذشتن از کاری روان بودن و روان
شدن و زمان ن النسر بلیت در حدیث مرفوع بحضرت رسالت واقع شده که ان
لو عیبت ارتو النعیم و النعمه نرم و خوش گردن نوح نسر نام بتی است از بتان قوم
نوح که مرغ ابر ابی بر شبیهه مزمل ناشئة اللیل برخواستن شب النکل بند الانکال
جمع و مثال و تنکیل یعنی عقوبت آمده و بعضی گفته اند نکالا لما بین یدیها و ما خلفها یعنی
عبرت و عظه آمده است مدثر الناقور صور و صوت نازعات النخر پوسیده شدن
استخوان الغاشیه النمرقه بالش پشتی النمارق جمع البلد النجد بلندی و راه بلند
الم النادی مجلس الکوثر النحر شتر کشتن و سینه زدن فلق النفث دمیدن

النعم التأکید المنخ دوستی النعاس النعاس الانفاد جمع النسیان فراموش کردن الننا
و النسوان و النسوة زنان النظر نگریستن النصر یاری النصاری ترسا النصارا جمع السبع الکله ...
النقع غبار کردن النقیب گردن ... النبی اگر ... الانبیاء و النبیون
جمع النسک زیارت کردن ... خدای عز و جل عبادت کردن المعصیه نافرمانی کردن النقص
کم کردن النقصان کم شدن النهار روز النهر جمع النعیق بانگ کردن کلاغ سخت ...
النعا خواندن الشکله زنانی ... النسک و النسایک جمع النصیب بهره المثل ...
النکح و النکاح زن کردن ... النصف نیمه النحل النحله زنانی ... النزع
کشیدن النبات رستن گیاه و ... بیرون ... النضج ... دمیدن النبوه پیغمبری النهی باز
ایستادن ... ترکی ... ننزل ... اند و ... نسا النحل عطا دادن بخلع ...
... النشوز ... کاری ... بیان ... النقم و النقمه عیب کردن
یعنی کراهت ... کما قال الله تعالی
و ما نقموا منهم الا ان یؤمنوا یعنی انکار ... از اصحاب ... منهم یعنی از ...
... کراهت ... عیب ... الا ان یؤمنوا ...
بود ... النضیج ... النقیر ... النفار و النفور رمیدن النحر
بیرون شدن انعام النادی ... النفق نقب کردن ... کما قال الله
نفقا فی الارض یعنی سوراخی در زمین ... النواه ... الاعناع جمع
انفال النکال ... الناقه ... النجت ... النشر ... کردن
کردن ... النکث ... دادن ... النزع ...

باب الواو هود الوقود آنچه با آتش او فروخته شود و هیمه الوقود
او فروختن آتش الوصل پیوستن الوعظ پند دادن الولدان مادر و پدر و دو
خداوند الوجود هستی و یافتن الوحدان ... الولی یاد و دوست و صاحب ... الجباء
الوجه روی و اول چیزی الواسع فراخ عطا الوجهه آن سوی که رو بدو آرند
الوصیه سفارش کردن الوقایه نگاه داشتن الولاده زادن الوسطی ...
و وسط یعنی برگزیده و بامرادات بودن بحلم و عمل کما قال الله تعالی امة وسطا الوابل
استوار شدن الوابل باران بزرگ قطره الوهن سست شدن عمران الوضع بر
نهادن نسا الولید کودک و بنده الولدان و الولده جمع کودکان و بندگان الوکیل
کار دار و نگاهبان الوکز ... نزدیک شدن مائده الوقد ... الوصیله گوسفندی
را گفتندی که هرگاه دو بچه آوردی یکی نر و یکی ماده نر را ... ماده ... کرد ... می
و آن ماده را وصیله نام نهادندی انعام الوقر گرانی گوش الوقف باز داشتن
الوقوف ایستادن الورد ... آوردن الورد گناه و گرانی الاوزار جمع الوزر که کسی
بردارد ... الوصف ... دادن الوسوسه ... الوسوسه ...
در دل آوردن الولوج بجای در شدن توبه الولیجه دوست خاص الوطا بپای
سپردن الوادی جای سیل میان دو کوه هود الورد آب خوردن الورود در آوردن
رعد الوالی ... ستادی کننده بنی اسرائیل الوفاء تمام کردن کهف
الوصید پیش آستانه در الورق سیم الوال و الوول پناه گرفتن مریم
الوقد گروهی که بنزدیک سلطان روند از جهت مهمی طه الوزیر ...
الوقی سست شدن هود الودق باران بیایی قصص الوکز ... زدن

الم سجده الوقود رخاوت ... الوقار آرام شدن الوطر حاجت الاوطار
جمع محمد الوفاق بند الوتر نقصان کردن و کینه ور کردن ذاریات الوفر ...
کردن الاوفاز جمع رحمن الوزن ... الرحمن الواقعه ... الوضن ...
جمع کردن الوداد ... دوستی کردن طلاق الوجد طاقت و توانگری ن
الوسم داغ کردن الحاقه الوعی یاد گرفتن و نگاه داشتن الوحی ... نوح
الوقار بزرگواری مزمل الوبیل سخت و ناگوار ... الوزر ... نبا الوهاج
درخشیدن الوهاج ... الوفاق ... و با کسی موافقت کردن تکویر
الوحش چهار پایان دشتی الوحوش جمع الواد زنده در گور کردن الفجر
الوسق گرد کردن و ... عادیات الوسط و السطه در میان شدن
ناس الوسواس دیو وسوسه کننده و بکان الله یعنی ... ان الله ...
و گفته اند که و یک کلمه ... یعنی ویلک ... حذف کرده اند ... از قبل
ان ... و بیک اعلم ان الله ... احتمال ... بیک ...
چنانکه میگویند و بکان ... تحقیق ... آمده است
باب الهاء البقره الهدی و الهدایه راه نمودن هو الهرها
آن مردان ... النحاف ... آن ... زمان
بقره الهبط فرود آوردن الهبوط فرود آمدن هامان نام کافری مشهور
هذه القریة این ده ... الهدی ... شد ... در ...
و الهیاده توبه کردن و جهود شدن الهز ... هنا ... نبا ... الهود ...
این گروه الهوی دوست داشتن ... دل ... الهود جهودان هادوا



بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین

در تفسیر قول حکیم [illegible]

[illegible]

118

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي منه المبدء واليه المعاد وهو المحيط بين الاضداد هو الاول والآخر والظاهر والباطن والصلوة على محمد واهل بيته [illegible] العابدين [illegible] وبعد فيقول الفقير [illegible]

[illegible]

226

[illegible]

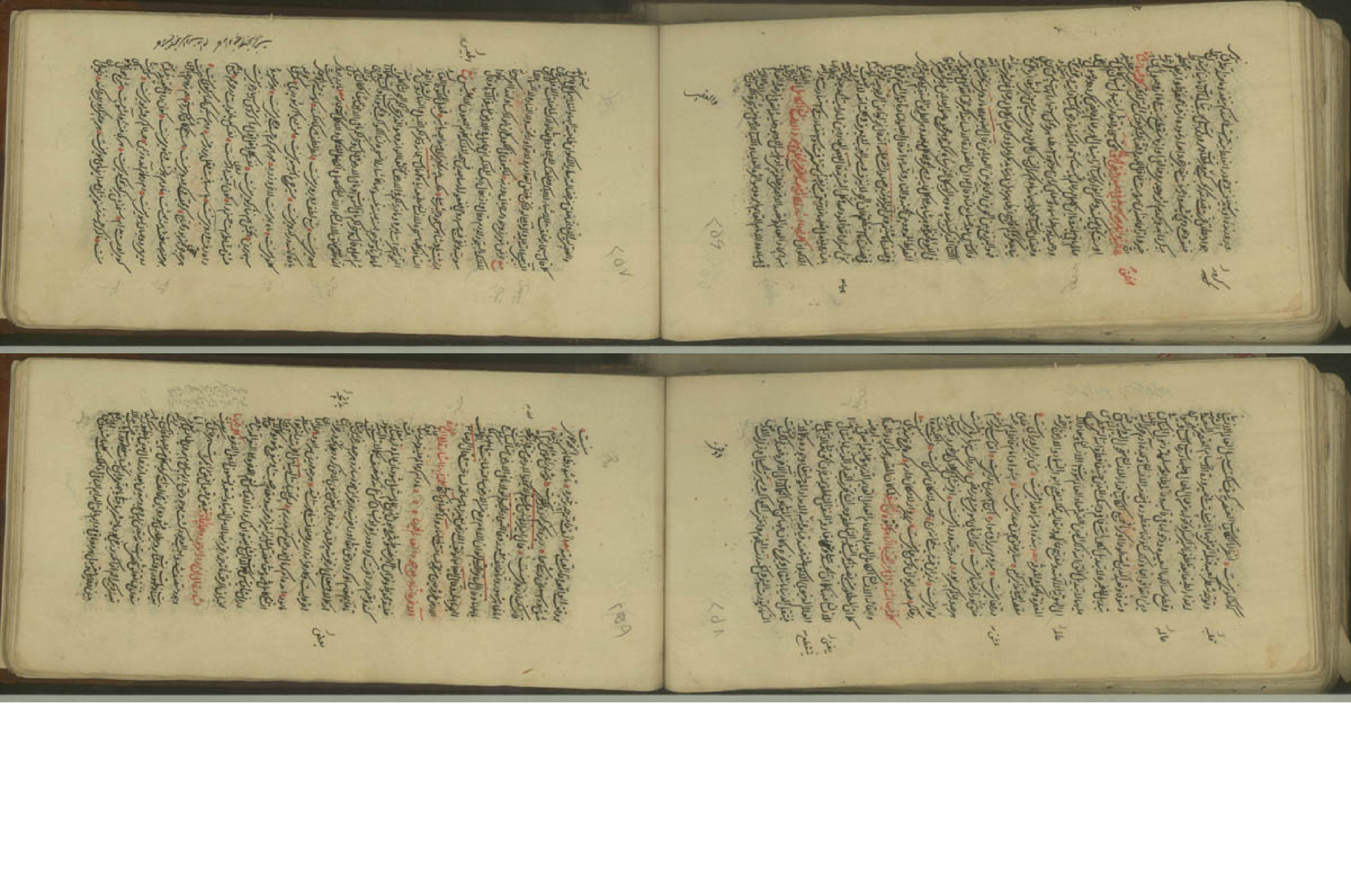
227

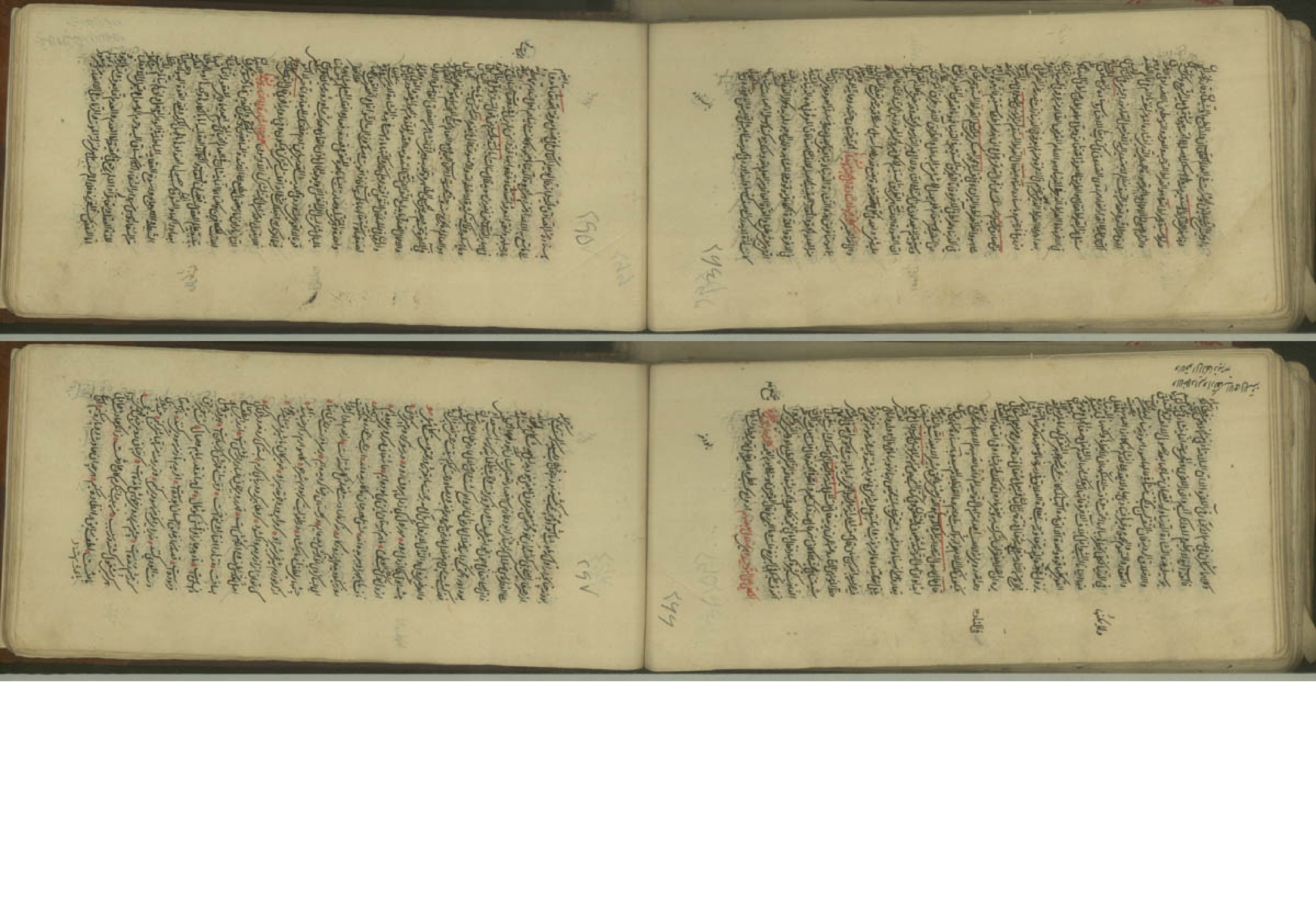
[illegible]

228

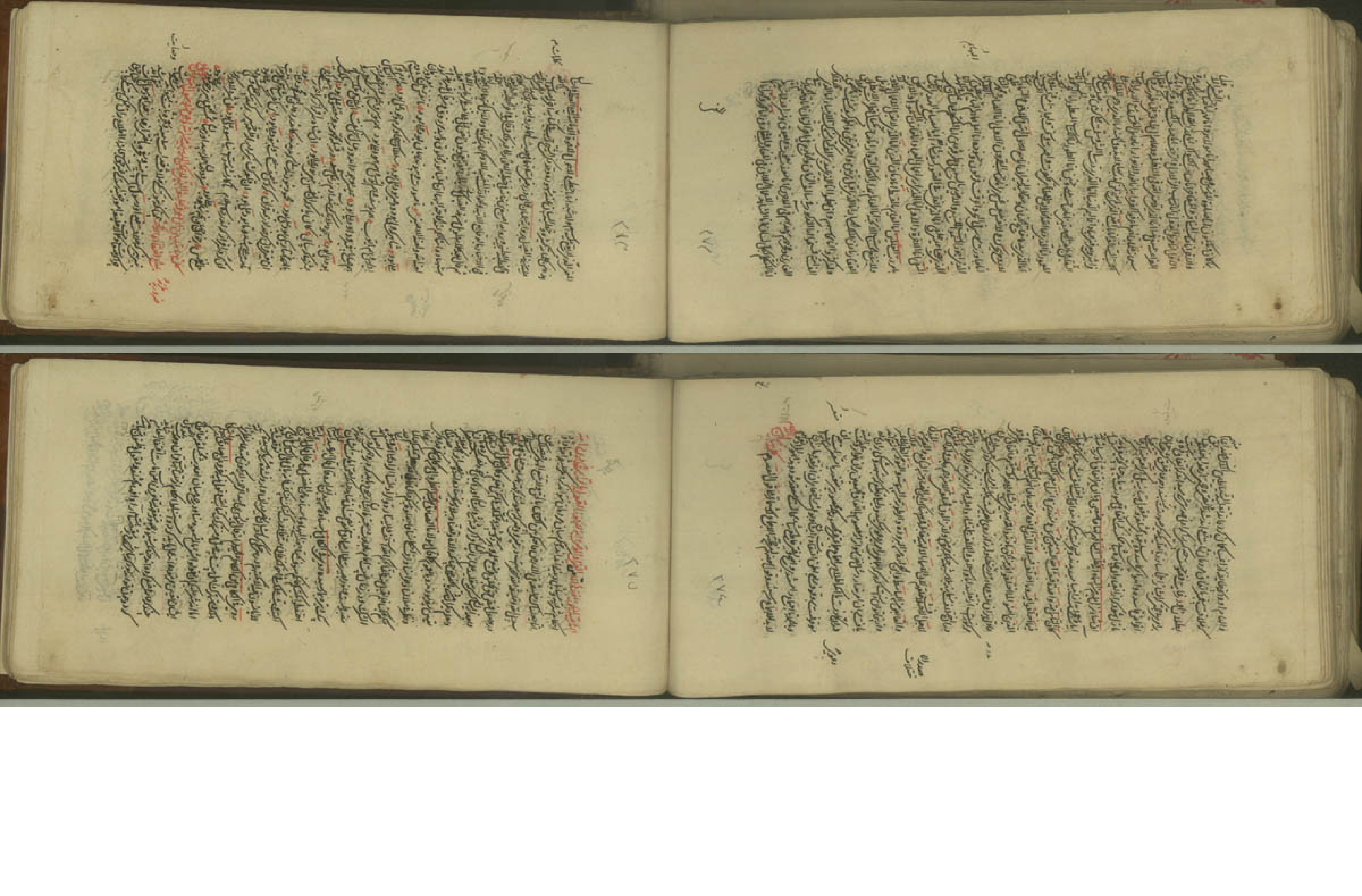
[illegible]

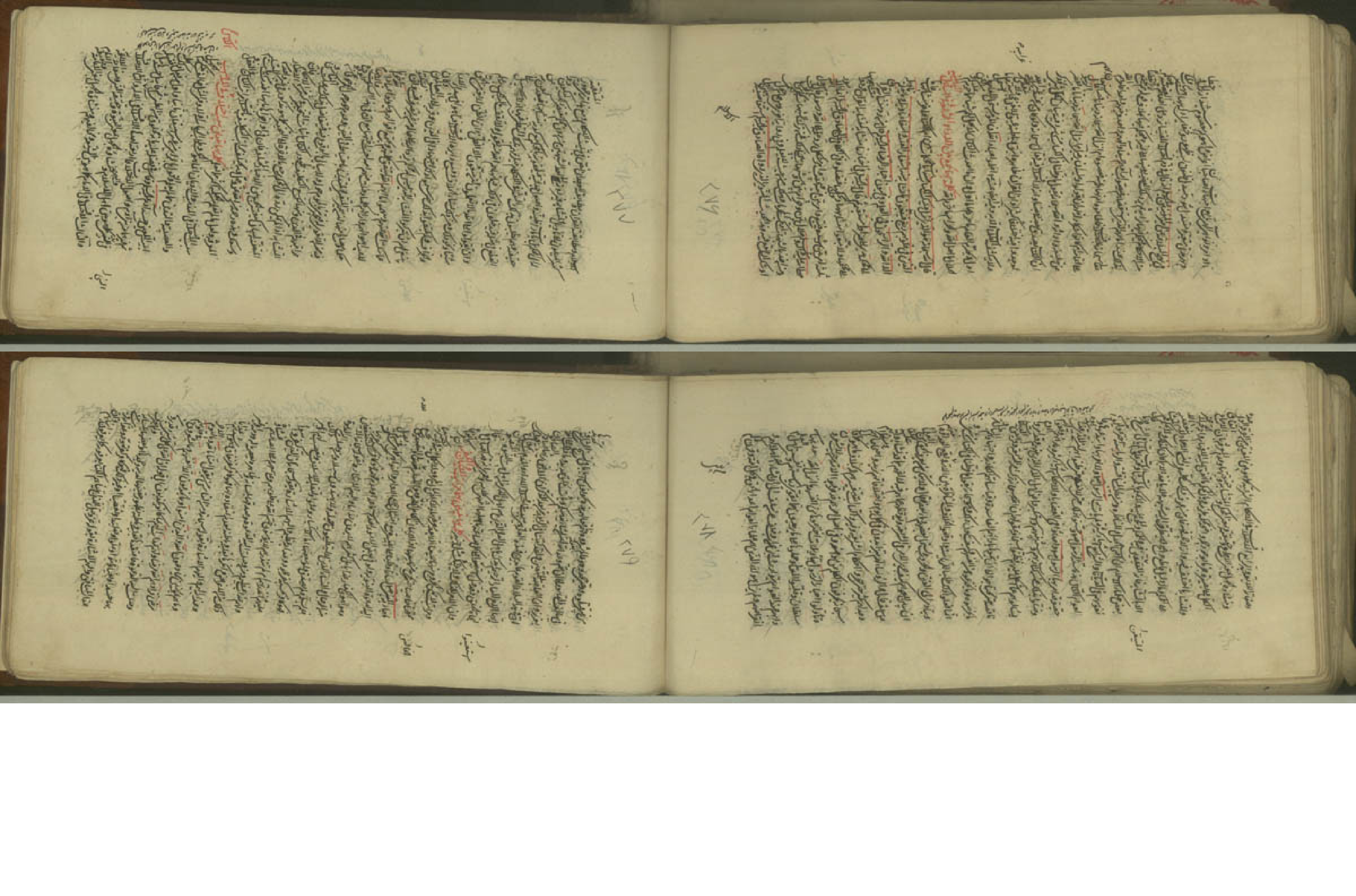
229

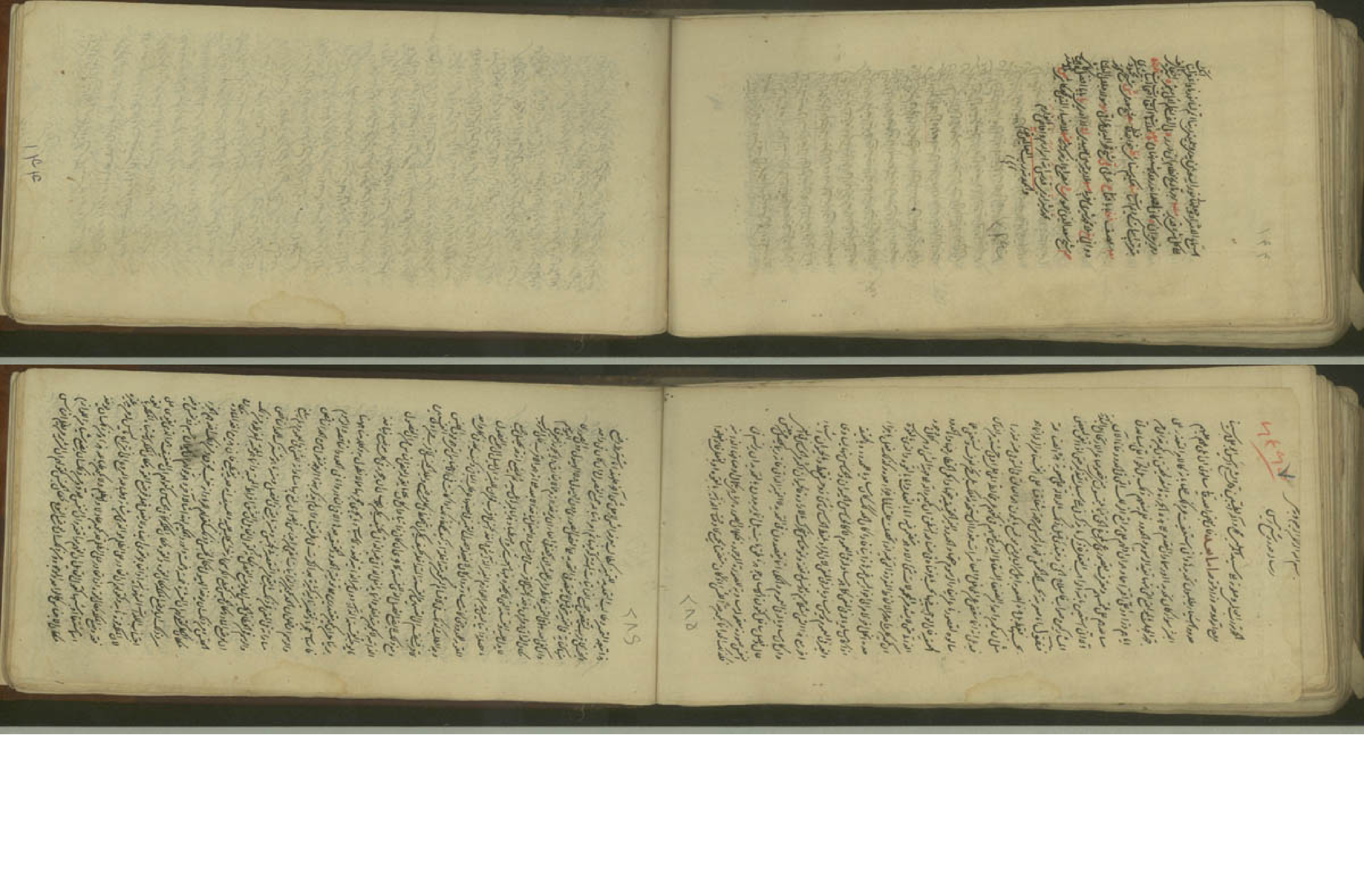












[illegible] ... داود القيصري

بسم الله الرحمن الرحيم

المقدمة فيها فصلان الفصل الاول في موضوع هذا العلم ومباديه ومسائله [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] الارواح [illegible] الحوادث [illegible] وصورا [illegible]

الذي [illegible] و[illegible] و[illegible]

[illegible] الصور [illegible]

والارواح [illegible]

[illegible]

[illegible] قال الشيخ قدس سره [illegible] كان [illegible]

[illegible] الجوهر

[illegible] الارواح [illegible]

[illegible] الانسان [illegible]

[illegible] الاول [illegible]

[illegible] المقدس [illegible]

[illegible]

[illegible] النفس [illegible] الفصل

الثاني في مراتب [illegible] الوجود [illegible]

[illegible] الصورة [illegible] العقل [illegible]

العقل [illegible] صورة العقول والنفوس المجردة [illegible]

[illegible] النفوس [illegible] الاجسام [illegible]

[illegible] العرش والكرسي [illegible] صور الاجسام [illegible] السماوات [illegible]

[illegible] المعادن والنباتات والحيوانات [illegible]

الوجود [illegible] الانسان [illegible] مراتب [illegible]

[illegible] الوجود [illegible]

[illegible] العقل الاول [illegible] العوالم

[illegible] الوجود [illegible] عالم العقول والنفوس المجردة [illegible] عالم الجبروت ثم

عالم المثال المطلق [illegible] من العوالم الموجودات المجردة [illegible]

[illegible] عالم الملكوت ثم عالم الملك

[illegible] العرش والكرسي والسموات [illegible] وهذه العوالم

[illegible] الخمس [illegible] الحضرات [illegible]

[illegible] عالم الغيب المطلق [illegible] العالم والانسان

[illegible] عالم الملك [illegible]

العالم [illegible] العوالم [illegible]

[illegible] الغيب المطلق [illegible] عالم الجبروت وعالم الملكوت

وعالم الملك وعالم الانسان الكامل [illegible] العقل الاول [illegible]

[illegible] اول ما خلق الله [illegible]

[illegible]

[illegible] الصورة [illegible]

[illegible]

[illegible] العقول [illegible]

[illegible] الارواح المجردة [illegible]

[illegible] الكلام [illegible]

[illegible] الارواح [illegible]

[illegible] الروح [illegible] العقل الاول [illegible]

[illegible] الانسان [illegible]

[illegible]

[illegible] النفوس [illegible] الارواح [illegible]

[illegible] المجردة [illegible]

[illegible] العقل الاول [illegible]

[illegible] النفوس الناطقة [illegible]

[illegible] الروح الكلي [illegible]

[illegible]

[illegible] الانسان [illegible]

[illegible] العقل الاول [illegible]

[illegible] العقول والنفوس [illegible]

[illegible] عالم العقول والنفوس المجردة [illegible]

الجبروت في عالم الملك والشهادة المطلقة [illegible]

[illegible] العالم المثالي [illegible] عالم الارواح [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] **الفصل الثالث** في العالم المثالي [illegible]

الجسم وعالم الارواح المجردة [illegible]

[illegible]

عالم الارواح والاجسام [illegible]

[illegible]

[illegible] عالم الاجسام

[illegible] هذا العالم [illegible]

[illegible] عالم الملك [illegible]

[illegible] المنفصل [illegible] الارواح [illegible]

[illegible] العقول والنفوس المجردة [illegible]

[illegible] الارواح الانسانية قبل ظهورها في الابدان [illegible]

[illegible] ارباب [illegible]

[illegible] العالم [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] هذا العالم [illegible] العالم [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] الصور [illegible]

[illegible] تلك الصور [illegible]

[illegible]

[illegible] الروح [illegible]

[illegible]

[illegible] والعقاب [illegible]

[illegible] وسؤال المنكر والنكير [illegible] البعث والنشور [illegible]

[illegible] الانبياء عليهم السلام [illegible]

[illegible]

[illegible] هذا العالم والكشف الصوري [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] **المطلب الثاني** في [illegible]

الفصل الأول [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

الفصل الثاني [illegible]

[illegible]

الفصل الثاني

الفصل الثالث

خاتمة

